

رسمی بهتر میتوانستند نمود . خدماتیکه در این مدت قیام خودشان در ممالک مختلفه اروپا نمودند پیش از آن است که بیان توان کرد، چون امروزه بمقتضای کنونی ایران صلاح در افشای آن نیست و زمانه بتدریج آن خدمات را یگان یگان ظامر خواهد ساخت از بیان آن صرف نظر نموده همین قدر میگوئیم که خدمات این وجود محترم در این موقع نازک بوطن محبوب خودشان شالوده استقلال ایران را محکم گردانید، این است که ما ابناء وطن محبوب خودرا بشارت داده اطمینان میدهم که سیاست ایران کافی السابق بیالمللی و وطن عزیزشان از تقسیم همسایگان موقتاً مصون مانده و هرگاه از این وجه ایرانیان مسلك حرکت خودرا بفهمند باکال سرعت بترقیات مقنضی نائل آمده و در عداد دول متزقی بشمار خواهند آمد .

تقسیمک دانایان ایران خواه خارجه با ایرانیان وارد میاورند هاما عدم استقلالشان بیک مسلك مستقیم است، چنانچه چند ماه هم بیک هیئت اعتمادشان قائم نمی ماند و آن هیئت ولو صادق هم باشند فرصت نمی دهند که بوطائف خویش قیام نمایند

ایرانیان باید عور و نامل کنند که خرابکاری های چندین قرن مجرد روی کار آمدن بیک هیئت مصلحه ولو فرد فردشان مانند بسهارکم باشند به چند ماه و چند روز اصلاح نتواند شد

ایرانیان باید بدانند که دشمنان استقلالشان در کمال مهارت و هوشیاری برای سلب اعتماد آنها از هیئت مصلحه با سرد نمودن دست و دل آب هیئت هزاران بیرنگ بکار میبرند و در بدنامی آنها رنگ ها میریزند، لذا آنان راست که در عقب هر صدا که با الیاط خوش آیند برای فریب آنان بلند میشود بدویده خویشین را هلاکت نیندازند، ایرانیان راست که پس از این همه صدمات اقلآ قدرییم تجربه حاصل نموده دوست و دشمن و زشت و زیبای خودشانرا مدنیت شونده درست عور نمایند که دشمنان استقلال اسلام وقتیکه در بدنام کردن مقام منبع ریاست روحانی اسلام وای سلب اعتماد شا از آن مقام منبع بکوشند در بدنام نمودن سایر هیئت های مصلحه شا چه خواهند کرد ؟ علت عمده عدم پیش رفت کار تا کنون عدم استقلال شا بوده که هیچ هیئت مصلحیرا فرصت انجام کار

نداده حالا هم دشمنان استقلال وطن شا از کار نینتادند و از مقاصد فاسده خودشان دست نکشیده مسلماً رضا نخواهند داد که بهترین سعادتها نصیب شا گردد ناچار در سلب اعتماد شا از هیئت مصلحه و بدنام ساختن آن هیئت پیش از پیش کوشاش خواهند گردید، چه بالاترین امیدواری شارا بذات والا حضرت ناصرالملک دیده و برای مایوس نمودن ناث از این اساس مقدس به بیرنگ های مختلفه کوشان خواهند گردید، شا راست دوست از دشمن شناخته و سخن صحیح و سقیم را دانسته و نتیجه آخرین خیال مفسدين را فهمیده بنوای هر سازی زرقصد و بهوای هر آوازی ندوند و بدانید که در جنس ایرانی کسی که امتحانات صحیحه از روی علم و سیاست و دانش در طریق وطن خواهی بدون هیچگونه لوث داده باشد مانند ذات والای ناصرالملک سراغ نداریم

ناصرالملک کسبست که بجرم آزادی خیال و سعادت ملت و علم و دانش از دوره ناصرالدین شاه تا کنون مضروب مستبدین و مردود خائنین وطن بوده

ناصرالملک اول دیپلمات با سیاست و کباست ایران است

ناصرالملک کسبستکه عزت چند روزه خود را بذلت ابدی ملت تبدیل نمی نماید

ناصرالملک شخصبست که خواهان عهده و منصب و صدارت و نیابت سلطات و امثال آن نبوده و نیست چنانچه در اول این دوره از وزارت خارجه و نیابت سلطنت نحاشی جست

ناصرالملک کسبست که محل اعتماد کلیه طبقات ایران از ریجیر گرفته تا برسد بروحانین میباشد

ناصرالملک کسبستکه سکه خوش نامی در کلیه اروپا زده و محل اعتماد خارجیان واقع گردیده است دوست و دشمن خودی و بیگانه اش بوطن خواهی میتابند، امروزه مفتاح سعادت ایران بدست این ذات والا بهبارت دیگر آخری تیربست که ایرانیان را در ترکس بوده مسلم است که دشمنان خارجی و دست های داخلی آنان در برهم زدن این اساس سعادت و ناامید ساختن ملت از اصول مشروطیت در انبوق کوتاهی نخواهند نمود و هزاران بیرنگ در سلب اعتماد ملت بکار خواهند برد

مستشاران امریکائی در ایران

بر حسب قرارداد کابینه سابق و تصدیق کیسیون مجلس شورای ملی قرار بر این شد که مستشارهایی مایه ایران از امریکا جلب شود تکرافات اینبته ظاهر میدارد که وسماً وزارت خارجه ایران بتوسط سفارت خود از دولت امریکا جلب مستشارهای مایه را نموده و این خبر هم رسماً از طرف دولت افزونی تصدیق شده است، چنانچه سابق نوشته بودیم بهترین مستشار مایه برای ایران بجهت اقتصادی و سیاسی همانا جلب از امریکا است چه دولت افزونی اعم بر اینکه مقصدن ترین دول است در فتنون مایه گوی مسامت را از کلیه دول سائره بوده است تعلقات سرحدی و سیاسی هم با ایران ندارد و از دخالت های غاصبانه و اجحافات و حسابانه مستغنی میباشد تصور هیچگونه زبانی برای ایران نمیشود درست اگر دقت شود دیده خواهد شد که معلم و مربی ژاپون جز امریکا نبوده و تاکنون هم جوی از امریکائیان در ادارات مختلفه ژاپون مشغول انجام خدمات صادقانه اند علاوه برخلاف اروپائیان در تعلیم اهالی شرق از صمیم قلب کوشان اند مسلماً تا ختم میعاد کثرات شایسته جماعتی از ایرانیان را مستعد جانشینی خود خواهند نمود. امریکائیان عموماً با شرف و حیثیات السابیت میباشند از این رو تصور نمیرود که مانند بلجیکیان باشاره سفرای روس و انگلیس شرف خودشان را در خیانت بایران از دست بدهند. فقط چیزی را که باید ملاحظه نمود مستشارهای امریکائی که بایران جلب می شوند علاوه بر صاحب علم باید صاحب تجربه و حیثیت شخصی هم باشند که بمقتضای سیاست کنونی ایران مراعات این نکته اشد ضرورت را دارد فقط تفاوتی که برای ایران در جلب اینگونه مستشارهای با حیثیت بشود همانا اندک فرق مواجب آنهاست، ولی هرگاه درست یارک شویم دیده خواهد شد که این جزئی تفاوت مورت منافع کلی برای ایران تواند گردید، چه اگر اشخاص عالم با شرف و حیثیت از امریکا جلب بایران شوند اولاً همسایگان زور کوی ما طبعاً اجتناب از زورگوشی و بی قاعدگی خواهند نمود - ثانیاً سخنان آنان در حق ایران و ایرانیان در کلیه اروپا و امریکا دارای اثرات عظیم تواند شد

پس ایرانیان راست اگر سعادت میخواهند استقلال میجویند شرف قومیت و علو رتبه اسلامی را می پسندند بهر دستی دست بدهند و بهر نوائی برقص نیایند که اگر خدای ناخواسته بازم تلون مزاج بخرج داده و صبر و استقلال را یشه نکرده بر خلاف هیئت مصلحه که رئیس آن ناصر الملک باشد قیام نمایند آخرین تیشه را بدست خود بر ریخته استقلال وطن خویش زده طوق عبودیت دیگران را طوعاً بگردن بیاورند

ایرانیان باید از این نکته غافل مانند که در سلطنت مشروطه نمانده ملت اعم بر پادشاه یا نایب السلطنه رکن ساکن و بی طرف مملکت است نمانده ملت شامل در هیچ حزب سیاسی نیست و دارای هیچ گوه مسؤولیت نمی باشد و در حقیقت مصدر هیچ کاری شناخته نشده و بر فرض که یک هیئت وزرا برخلاف منافع مملکت کاری هم بکنند مسئول نایب السلطنه یا سلطان نتواند بود، از این رو دشمنان وطن چون هیچ الزامی بر نمانده ملت وارد نتواند آورد بطریق مختلفه دیگر در بد نام نمودن آن و مایوس ساختن ملت از ایشان خواهند کوشید، بدون شبه تجدیدات غیر مستقیم هم حملات استقلال ویران کن بر ایشان خواهند نمود. ملت راست که بمقاصد فاسده مخربین خارجی و داخلی رده سپر مدافعه و حافظ بمانده ملی خود شایسته باشند و ما با کمال احترام از ذات اقدس ناصر الملک و مقام منبع نیابت سلطنت عظمی از حالا استدعا و التجاسی نمائیم که آن والا حضرت بهتر و پیش تر از دیگران باوضاع کنونی ایران و ملت کم تجربه و بی علم آگهی دارد، خدمت در چنین مملکت و بصرات مستقیم اداختن چنین ملتی از آن ذات والا درخور است ورنه ملل دانا و متمدن و واقف بمواقف عصر چندان محتاج بنمانده با علم و سیاست و کیاست نیستند، (با همین مردمان باید ساخت) و خدمات تاریخی در ترقی دادن چنین قومی حاصل تواند گردید و امیدواریم که حسن ظن ملت را در حق حضرت روز افزون مشاهده نمائیم، اگرچه ما نمانده ملت را چنانچه نگاشتیم غیر مسئول و رکن ساکن مملکت می دانیم ولی معنائی نمیتوانیم صرف نظر از فعالیت آن ذات والا هم بنمائیم

ثالثاً برای جلب توجه صاحب نرومان امریکا که امروزه ایران خیلی بآنها احتیاج دارد منتهی درجه اهمیت را خواهد داشت ازین نکته نباید گذشت که حایة ملی امریکا از چین اورا از بسی تضییقات دول سائره رمانیده است و ما امیدواریم که هر قدر زود تر ممکن شود مستشاران مایه را از امریکا بجانب ایران حرکت دهند که يك روز زود تر ورود شان بایران منافع گوناگون را حاوی است و هرگاه اولیای دولت صلاح دیده مستشار برای وزارت معارف و وزارت فوائد عامه هم از امریکا جلب کنند منافع عظیمه را حاصل توانند نمود و هرگاه مشیرات جنکی را وزارت جنگ از ژاپون طلب فرماید خیلی مقرون به صلاح و صواب خواهد بود - پس از ورود مستشاران امریکائی هرگاه شاگردان ایرانی که برای تکمیل تحصیل و تجربه با اروپا فرستاده میشوند بامریکا فرستاده شوند زود تر و بهتر منافع تحصیلات خود را باوصان خویش توانند رساید - چنانچه تاکنون عمده شاگردان ژاپونی در مدارس و ادارات و کارخانجات امریکا مشغول به تکمیل تحصیل و تجربه اند و منافعی که ژاپونیان از امریکائیان حاصل نموده جبهه مدارد که ایرانیان حاصل توانند نمود

یونیورسٹہ اسلامی

مدرسة العلوم علی گده که از مؤسسات مرحوم سر سید احمدخان و قرن دوم خود را دارد با کمال احتشام طی مینماید معلم ترین مدارس اسلامی است که کتر کسی از ارباب دانش بخبر از آف است بیانه مدرسة العلوم از ابتداء باندازه وسیع گذارده شده بود که تکمیل آن بنظرهای نزدیک بینان محال مینمود . ولی رفته رفته خیرخواهان اسلامی در تکمیل وی کوشیده تا امروز میتوان گفت از اولین دارالعلوم های اسلامی دنیا بشمار است . از ده سال باین طرف نواب والا آقای سلطان محمد شاه توجه مخصوص در ترقی این دارالعلوم فرموده خصوصاً چند سال است که مستقیماً سرپرستی آنرا دمه گرفته اند . نظر بضروریات مسلمانان هند اینک مصمم

گردیده اند که در تاجگذاری اعلیحضرت جارج پنجم این دارالعلوم را حیثیت و مقام یونیورسٹہ بخشند . از این رو برای تکمیل نوانس آن مبنی منگفت درکار بود که نواب والا قد مرداسکی علم چه از خودشان وجه از دیگران مصمم تکمیل آن گردیده اند . چنانچه از روز ورود خودشان هندوستان که يك ماه پیش نیست تاکنون قرب يك میلیون و دوست هزار روپیه و عده تایید رسیده و چون با هیئت کیسیون از رؤسا و امراء بزرگ خیرخواه اسلام در بعضی مقامات هم خواهند رفت مضمون است که زاید بر این ضرورت مسلمانان همراهی و توجه نمایند و این سکه تاریخی ترقیات تعلیمی مسلمانان اسلامی هند تا اند بنام های ایشان زده آید .

نواب والا آقای سلطان محمد شاه نه تنها ریاست و قیادت عموم مسلمانان هندوستان مسلم گردیده اند بلکه میتوان گفت هندو و مسلمان توأم طوق ریاست و قیادت ایشان را بالطوع والرغبه کردن نهاده اند خصوصاً در این ایام که بیرق اتحاد مسلمان و هندو راهم بکف گرفته در رفع مناقشاتشان دیرینه آنان جداً کوشاند يكشنبه گذشته نواب والا آقای سلطان محمد شاه ساعت هشت فرنگی علی الصباح در ایستگاه راه آهن کلکته ورود و عامه طبقات اسلامی خاصه ایرانیان بذیرائی شبان از ایشان کرده نمایشی فوق العاده در انظار داشت و اعزازات صمیمانه قومی را مجسم می نمود - دو روز مهیاں چیف جسٹس و سپس بدعوت فرمانفرمای هند در امارت حکومتی توقف فرمودند، درین چند روزه توقفشان غالب العجبها و کلوبهای اسلامی و غیر اسلامی بشرف ایشان مجالس میبہانی و شب نشینی وغیره دادند که الحق تاکنون چنین بذیرائی صمیمانه برایش هیچ يك از رجال غیر رسمی واقع نشده بود، و نیز از طرف العجب مظفری و ایرانیات کلکته در نمبر ۱۰ هنکر نورد استریت مدعو شدند و جمیع طبقات از هندو و مسلمان و ارامنه وغیره نیز در آن مجلس شرکت نموده ایرانیان با کمال گشاده روئی بذیرائی از واردین نمودند بلی این است نتیجه خدمات ملی و اعزازات قومی که گویا هنوز رجال ایران به ندانند آن پی نپردوانند

مراسله فیلسوف بزرگ مستشرق

(وایرانخواه صمیمی مستر وون)

(پروفیسر کبریج کالج)

(بمقام منبع ریاست روحانی اسلام)

حجة الاسلام - چون از عنوان شباب یعنی از سی سال پیش عمر خود را در تحصیل علوم و ادبیات شرقیه صرف نموده ام و چون علم با ادبیات و تواریخ قومی باعث شوق و محبت بآن قوم میگردد اینست که بطور مسوی و روحانی خود مرا مثل ایرانی میدام و بالطبع از هر چه باعث پیشرفت و ترقی ایران باشد مسرور و از هر چه سبب تنزل و زوال ایران باشد محزون و مغموم میباشم. و چون نتایج تاریخ این ایام و این وقایع اخیره که در ایران روی داده است دیدم که کار بجز جای باریک رسیده است و این مملکت قدیم که از اوایل ازمنه سائنه منبع و منشاء انواع علوم و فنون و صنایع و کلات و فضایل بوده در چه بحران خطرناکی افتاده است. و مرص واضح و روشن شد که اگر آت قوم محیب کمال جهد و منتهای سعی در جمع قوای ظاهره و باطنه خود نکنند دور بست حاشا لله که آت ملک قدیم و آن بیضه اسلام طعمه احاب گردد و این روح تازه که مجنبتش آمده بود و چندان امید از آثار حیات بخش آن در قلوب ایرانیان و دوستان ایران بود منطقی گردد. لهذا ما وجود عدم لیاقت خود و عدم سنجیت با رجال سیاست بر خود واجب دانستم آنچه در نظرم آمد در دفع این خطر معروض نظر انور رجال قوم گردانم که گاهی کسی که در خارج باشد ولو چندان دور بین و بصیر نباشد بعضی چیزها می بیند که از عیون داخلین مستور می ماند و چون دیدم که بلای ایرانیان همیشه عدم اتفاق و اتحاد بوده است و علاج این مرض مزمن از همه چیز اهم و الزم است و بیش از همه چیز احتیاج دارد بکلای نافذ که جمع آراء و افکار و رفع اختلافات و ترددات بکنند. و هیچ کلای نیست که تواند این آثار را داشته باشد الاحکم و فتوای مجتهدین کبار که از اول این امور تا بحال بیشتر از همه عکس اظهار و مان پرستی و دور بینی و دور اندیشی و احاطه بر مراتب امور نموده اند. لهذا بعد از تردد بسیار که شاهد این عمل از غرض از قبیل

سجرات و فضولی شمرده شود مصمم و آن شدم که این مریضه را تا کمال حرمت و تواضع بآن آستانه فرستم که اگر از جمله ملاحظاتی که میخواهم عرض بکنم یکی از آنها قدری و حقیقت داشته باشد مریضه بنده بکافی عبت نخواهد ماند و چون چندی قبل زیارت تملیقه از آن مقام اقدس مشرف شدم و در آنوقت هم جواب عرض نمودم این هم باعث تشجیع مخلص شد که دوباره مزاحم اوقات شریفه شوم و چون اجنبی میباشم و در نکت عبارت بردازی قاضی غیر ماهر و در تفسیر این سطور هم ابجاز و تسجیل هر دو منظور بود لهذا التماس دارم که معانی را دون عبارات ملحوظ دارند و خلوص نیت را بدل لسان فصیح بدانند

(خطرات محذره بایران و علاج آنها تا اندازه که)

(در حیز اقتدار خود قوم مت)

خطر ایران چنانکه واضح است دو قسم است یکی تعرضات خارجی و یکی اختلافات باطنی. و اگر علاج اول میسر نباشد علاج دوم هر حال در دست خود ایرانیان است. و برواضح است که اگر حفظ وطن و دفع شر اعداء با اتحاد ملت دشوار باشد در صورتیکه اتحاد نباشد دشوارتر بلکه محال صرف است و خیال بخت. مثلا در این ایام از مسائری که تازه از ایران رسیده است مسموع شد که بعضی از آنها ایکه زمام امور را در دست دارند عوض آنکه در فکر اصول یعنی حفظ وطن باشند در پی فروع یعنی چه طور حکومتی باید داشته باشیم باهم تنازع دارند. مثل آنکه شخصی در حالت نزاع باشد و دوستان او در جدال باشند که باید چه طرز لباس بپوشد در صورتیکه اصل مسئله در آنست که بغیر از کفن هیچ لباسی از برای او مانده است یا نه. مثلا مسموع شد که طایفه خود را اقلایون می نامند و برخلاف اعتدالیون میباشند و هر دو برخلاف مستبدین و بعضی از آنها خجالت نمی کشند که محض تقویت نفوذ خودشان از خارج استعاضه بکنند و اجنبی را بر موطن خود مسلط گردانند و بدخواهان بزرگ از این اختلافات استفاده می کنند تا بدون اینکه خودشان زحمتی بکنند ایران خودش را باره باره کند تا بحال عمده خطر از روس بود ولی در این ایام فوات التکلیس هم حکومت ایران را تهدید کرده

است که اگر این اغتشاش حالیه که در راهبای جنوبت خصوصاً در فارس دوام کند و مانع کار تجارت شود آنگاه هم محض اصلاح راهبای و رفع اغتشاش قشون از هندوستان خواهد فرستاد و معلوم است که اگر بیایند مشکل است دیگر بروند و حالت مصر خدای ماحواسته در ابراهیم پیدا میشود. و چون خدمت‌های نمایان قوم بختیاری باعث کمال آمدند بعضی قبایل دیگر محمد بختیاری و ترس آنکه شاید خود آنها زیاد گردد بشورش و اغتشاش و راه زنی و قطع الطریق مشغول شده اند و تجار فرنگی داد و فریاد میکنند تا دولت انگلیس این طور تهدید می کند و میگوید که اگر تا سه ماه دیگر (که عبارتست از ۱۷ اکتوبر فرنگی که مطابق ۱۳ شوال جاری باشد) راهبای امنیت پیدا نکنند چنین و چنان خواهیم کرد. پس از این مقدمات واضح است که اهم امور از برای ایران اتحاد است و اگر کسی بواسطه خود پرستی و عناد و خود رانی میجوهد طریق اعتدال و انبساط را گیرد حقیقتاً بنائاً کافر و دشمن وطن است و باید منی شود. و این قبایل که محض حسد و رقابت مشغول اغتشاش شده اند ماها باید درست حالی کرد که در صورتیکه ماه بدست اجنبی بدهند که زور بیاورد و آنها را مقهور گرداند بجهت حالت دلت و اقراض خواهند افتاد حتی در مستقبل خواهند گفت

رب يوم بحکیت منه فلما

صرفت فی غیره بکیت علیه

(لروم اتحاد و قوت ملتی که متحد باشد)

اصل ضعف ایران در این عاق و عدم اتحاد است که بواسطه آن مطیع یک حکیمی میشوند و عوض آنکه دل و دست یکی کرده در دفع خطر از وطن عزیز خود بکوشند در فکر ریاست خود میباشند و این حالت خودش بدون تعرض اجانب عن قریب باعث اقراض و اضمحلال ملت میشود و اگر برخلاف این میبود و این استعداد خودفدائی و شوق و سوز که در بعض مواقع اخیره ظاهر شد و دلیل بر حصول روحی جدید در این ملت قدیم بود در همه اجزاء ملت سرایت کند خود دول عطی رو بروی ملتی متحد حاکم هر فردی حاضر است خودش را صوره و متقی و جفا و

نسا و مالا فدای وطن بکنند طور دیگری رفتار خواهند کرد و ملایم تر سخن خواهند راند (دعوت اصلاح بین ابناء الوطن)

هرچه مخلص فکر کرده ام هیچ صاحب نفوذی را نمی بینم بجز از مجتهدین کبار و آیات الله الکرام که کلامشان در قوم این قدر نفوذ داشته باشد و خوب میدانم که از ایام الحصار دجنایات تا محال چه خدمت‌های نمایان بملت ایران کرده اند و معلوم شد که جل قوم اطاعت ایشان را از اطاعت خود پادشاهان الزم و احق می دانند، و دیگر معلوم شد که مشار الیهم بجهت حکمت نفوذ خودشان را صرف کرده اند. مثلاً بیک فتوی جانب قلوب زردشتیان هندوستان را کردند و آنها را مستعد انواع خدمتها نمودند، و بیک فتوایی دیگر مردم را از تعرض باحباب که البته سبب مداخله دول عطی میشد باز داشتند بقتیله طالی از حویشتن داری و حکمت اهل طهران در آن بمران عظیمه متحیر ماندند، ولی اینجا از برای تربیت قبایل و تفرقه های مذکور و حالی کردن مردم را بوظیفه خود در راه وطن پرستی فتوای فقط کنایت تمیکنند شرح میجوهد و حاشیه میجوهد ولی شرح زنده و حاشیه ناطق

مقصد بنده این است که از ایام بنو العباس و دوره ابومسلم خراسانی تا محال ایراینها یک مهارتی زاید الوصف در کار دعوت داشته اند آیا نمی شود در این دور اخیر داعیات مستعد مخلص متدین باطراف ایران بروند و اطفاء بران اختلاف و اعلام مصایب استیلائی اجانب و لزوم وحدت نیت و وحدت کلام و اماعت رؤسای روحانی قوم حاکمه عبارت است از مجتهدین کبار وطن پرست دون بعضی ملاحا که طرفدار اهل ظلم و استبداد بودند بکنند تا مردم بفهمند که در این ایام برخطر کسیکه راهزنی یا دزدی بکنند یا باعث نفاق فیما بین قبیلتین یا فریقین شود یا سبب اغتشاش شود یا امتناع از ادای مالیات بشمارد و امثال ذلک حقیقتاً بنائاً دشمن وطن خود است و سزاوار اخراج و ابعاد از زمرة عباد میشود، و هر طلی هم کم بفهمد که اشرف مردم آنست که هیچ در فحسگر خود نباشد بلکه در فکر حفظ وطن خود باشد خواه قاجار باشد یا شاهسون یا بختیاری یا لر یا قزلباشی

(لزوم اتحاد و اطاعت بیک مرکز خصوصا)
(در ملل ضعیفه)

پس بنظر بخلص اصل مطلب و اهم اشیا در اتحاد است و اتحاد بنه باطاعت است بیک مرکز و انقیاد بیک حکم و هرچه ملت ضعیف تر باشد خداف حکومت برای او حرامتر است، چرا که اینجا مثلاً (در انگلستان) اگر حکومت حالیه براداشته شود شکی نیست که حکومتی دیگر از خود ملت تشکیل می یابد و همه مطیع آن میشوند ولو آنکه بکلی نه پسندند، ولی در ایران ترس آفت دارد که اگر حکومت حالیه بر افتد حکومت خارجی در میان آید نه عمرو باند نه زید، و بنده بقدر مقدور سعی کرده ام تا بر دوستان ایرانی که داخل حکومت بوده اند یا شاید خواهند بود مبرهن دارم که قوت قاهره تاج و تخت لابد باید بر قوت باطنه دین تکیه نماید که آن مثل جسد است و این بمثابة روح و یقین دارم از همت دور بینی و حکمت حضرات آیات الله که در تقویت حکومت حکومت های نخواستند فرمود خصوصا در صورتیکه شخص کامل معتدل معقول خالصی مثل ناصر الملک نایب السلطنه باشد که قدر علماء اعلام را می شناسد و طریق اعتدال و مصالحه را قیابین آراء مختلفه میجوید چنانکه در مجالس متعدد از کلام خود ایشان معلوم گردید پس هر وسیله که ممکن باشد در تقویت نفوذ حکومت ایران که بی توجه ظاهری و باطنی حضرات آیات الله متصور نیست باید کوشید تا اتحاد و وطن پرستی حقیقی حاصل آید و مردم در ادای مالیات حلال کوتاهی نکنند که بی پول حکومت نمیتواند اصلاحات لازمه را بجا آورد و رفع دزدی و راهزنی بکند تا بهانه از برای مداخله در دست اجنبی نگذارد و جویش بی پول هیچ اصلاح نمیشود پس حصول پول بای نھوکان و بای طریق اتفاق لازم است اگر طریق قرض داخلی باشد نم المقصود و اگر از خارج باشد از اشخاص متمول بهتر که از دول عظمی، و اگر از دوستان ایران مثل مسلمانان متمول هندوستان یا زردشتیان هندوستان باشد بهتر و نزدیکتر به سلامت است و تشکیل جیشی که از برای حفظ تصور کافی باشد و در جمیع اطراف مملکت ضامن امنیت راهها باشد از همه چیز اهم است که

با آرای زمین و بیجان مذمب و مشرب و دلیل بی قوت این بخت و شدت تاثیر آنها اگر در بطنی پیدا شوند از تاریخ زاوون معلوم میشود
(مثال از همت اهل زبان)

که آنها جهل یا بیخیا سال بقیل از این قومی و حتی بودند یعنی در فتون حرب و غیره و بدبخت اجانب شکست خاخی خوردند، ولی هوش آنها که مابوس بشوند گفتند به ینیم بچه وسایل اینها بر ما غالب شدند با وجود آن شجاعت که داریم، پس جوانهای برگزیده خودشان را از ملقات علیا و وسطی که بچوبیتن داری و جدیت و قطع نظر از هوای نفس و خیالات خوش گذران معیور بودند و مستعد تحمل غربت و سهولت و تحصیل علوم فتون بای بھوکان بودند انتخاب کردند و آنها را بفرنگستان فرستادند تا بکسب آنچه از برای ملت افیع باشد مشغول گردند

ولی نه اینکه در شهرهای خوب مثل (لندن) و (پاریس) بمانند و از لذایذ عیش متمتع گردند بل در مرکزهای کارخیمجات و میدان در شهرهایی دور دست و کثیف و با حیثیت زندگی بکنند تا بدرجه بکمال برسند و بر جمیع اسرار و صنایع اجانب مطلع گردند، بنده خودم در ایام طفولیت دریکی از شهرهای شالی این مملکت یعنی انگلستان بچشم خود دیدم که این جوانان باز پرورده ادیب در آن جهاد اکبر نام قدم بودند و مثل عمله صرف در معدن و کارخانه روز بروز کار میکردند تا آنچه میبایست بدانند دانستند و بوطن خود برگشتند و نام نیکو گذاشتند، و گاه گاه خبر میرسید که فلان بمنصب وزارت یا نظارت یا سرکردگی رسیده است و باز هم هیچ تکبر و افتخار نمیکردند و سی تا جهل سال در این راه صبر و دوام کردند تا آخر آن فتیح نمایان بدست آنها حاصل شد بدون آنکه احدی منتظر چنان چیزی باشد، و این همه عز و جلال در سایه این عصمت نفس و اجتهاد و صبر علی الشداید و دور بینی و دور اندیشی و حفظ اسرار و ثبات نیت و ترجیح مصالح ملت بر راحت خود بود بطوری که هر ملتی که میخواهد چنان آثاری بر سی او مرتب گردد باید این ملت را بخت بختان را نمونه بگیرد

اگر قوت ضبط و ربط نباشد هیچ اصلاح دیگری
 ممکن و متصور نیست نه قوانین اجرا میشود نه
 مملکت از تعرض خارجی ایمن ماند
 فی الجمله فوائد اتحاد و افراد ملت اینست که
 معروض گردید و فوائد اتحاد ملل متجاوزه که هم
 سنخیت و جدیت دارد کتر از آن نیست چنانچه
 یکی از اسباب قوت دولتهای فرنگ آنست که
 باوجود اختلاف مذهب و مقصد گاهی باهم متحد
 میشوند از برای حصول بعضی مقاصد ما بالاشترک
 و لیکن بر هر که تاریخ دول اسلامی را خوانده
 باشد واضح و روشن است که یکی از اسباب زوال
 قوت آنها آنست که بواسطه بعضی اختلافات دینی
 همیشه باهم درجنگ وجدال بوده اند و گاهی متمسک
 ناذبال اعیار چنانکه در اختلافات فیما بین دولت ایران
 و دولت عثمانی دولت ایران مثلا متمسک و ملتدب
 بدولت روس شده است و خسران اخون قائده
 بیگانه گردید و بر واضح است که تارادر با رادر
 در جدال است حاه مشرف بزوال است - (ولله در
 من قال)

(آنچه مردمرا کنند عالی نژاد)

(اتحاد است اتحاد است اتحاد)

اینست ملاحظاتی که در نظر این اضعف عباد
 آمده است و انشاء الله تعالی عقل و حکمت و
 همت علماء و اتحاد و خلوص نیت مردم ایران
 باعث سلامت و ترقی و حفظ استقلال ایرانش
 خواهد شد ولی همه آنها بسته بانحاد و اطاعت و
 جمع کلام و اتفاق آراء است و الا اگر تفرقه و
 خفاق و خود برستی و طلب اغراض شخصی غلبه آید
 پس بقول نصرین سیار علی الاسلام والعرب السلام
 بجز تطویل کلام و حرارت خود ختم این
 عریضه می نمانم و مدعای بقای ایران و دوام همت
 و حسن توجه حضرات آیات الله که امید مستقبل
 ایران در ایشان مرکوز است این عریضه را انجام
 می رسانم
 خیرخواه حقیقی ایران و ایرانیان (ای سی - برون)

ایران و روس

اولا باید ملت ایرانش بدانند که دخول قشون
 روس بایران هیچ مستند قانونی ندارد قواعد حقوق

بین الدول مخالفت صریح با حملات روس در ایران
 دارد وسائل را که ذکر نموده اند از قبیل حفظ
 تبعه اجانب و انقلابات فاعله و خیانت تجارقی و
 رفع اختلافات و تاسیس امنیت همهگی بر خلاف واقع
 و دروغ محض است، اما وقایع اجانب تا ورود قشون
 روس و بعد ما تا امروز در تمام مدت چهار سال
 نفوس تبعه اجانب تماما در ایران محفوظ بوده تبعه
 هیچ يك از دول مجاور آسیای نرسیده است و در
 عدم تعرض برعابای دول اجنبیه دولت ایران گوی
 سبقت از همه دول عالم ر بوده هیچ دولتی در انقلابات
 و توره های ملی باین اندازه مراعات حقوق بین الملل
 را نکرده است که در عزل و نصب سلطان و
 اعدام آثار استبداد و ظلم و تاسیس اساس عدالت
 و ترقی براتب بشریت باین مثابه جاب داری حقوق
 انسانیت نموده که بیک نفر از تبعه اجانب تعرض
 نشده باشد، دولت فرانسه که ام التریه دول
 عالم بشمار است و دولت انگلیس که خود را رفیث
 مظلومین و حامی ممالک ضعیفه مظلومه اشاعه داده در
 توره های داخله خود شان به بقند چه قدر نفوس
 اجانب تلف شد و دول متبوعه آنان با آنکه
 درجه تمدن خود شان را بدرجه انگلیس و فرانسه
 نمیدانستند ایدا اعتراض نکردند و این را بهانه سوق
 عسکر و تفضیقات آنها نموده مداخله در مقام مور
 داخله آنها نکردند و پنج سال قبل در محاربه ژاپون
 و روس و انقلابات داخله چندین هزار نفوس محترم
 ایرانی در خاک روسیه طعمه هلاکت گشت، دولت ایران
 محض حفظ حقوق بین الدولی همه را فدای دوستی
 روسیان کرد، در آنروز تلاکت روس همه قسم
 اقدامات از ایرانش شایسته بود ولی هیچ خلاف
 تحاب بروز نداد، بر فرض اگر يك یا چند نفر
 تبعه اجانب هم در ایران تلف شده باشد سوق عسکر لازم
 ندارد باید مستقیما با ادارات دولت ایران اعلام نموده
 تدارك بخواهند و اگر دولت تمکین نمی کرد بابت
 کنگره دیپلماتی در طهران تشکیل داده در محضر سفراء
 مقاصد مشروعه خود را عرضه میدارد و تدارك آنرا
 که مصدق بوده بخواهد و اگر در آنصورت دولت ایران
 ظفره میزد آنوقت حق سوق عسکر داشت، اینست
 مسلک حقوق دولی و قانون آدمیت و میزان بحریت،
 خلاف این که غلظت سلوک است این

نمی توان کرد

اما خسارات مالی هم آنچه روس و سایر دول وارد شده بود صورت خسارات را چنانچه در باب اتلاف نفوس ذکر کردیم باید مستقماً یا باطلاع هیئت سفراء دولت ایران عرضه نماید اگر اظهارات او مطابق مقررات عهدنامهها و اصول حقوق بین المللی فصلی نمی شد در آن صورت اگر این توحش را انجام میداد ممکن بود که عذر سیاسی برای وسیع تر باشد. مثلاً اگر کسی دعوی حقوق بر دیگری بکند و بدون اثبات و تصدیق شهود اموال مدعی علیه را بپا نماید و یا وجبات اختلال در اداره آن نماید این عمل وحشیت صرف و سببیت محض است. نظیر اعمال سلاطین دوره خرافات که بغیر اعمال زور منسک هیچ قانون آدمیت نبودند اگر دولت علیه ایران هم چنین اقدام مینمود مرتکب سببیت شده بود. پس اوپای دولت روس با دعوی تمدن از نسبت وحشیت و سببیت منضجر نشوند زیرا که عمل خلاف قانون تمدن مثل سوق عسکر روس یا عزم سوق انگلیس محلی جز اعمال زور و رفتار وحشیت نیست. چه شده است با اوپای امور دولتی که اینگونه خسارات که در عهد استبداد مکرر واقع وتبعه و مأمورین آنها مکرر در خاک ایران کشته می شد و مال التجاره بفارت میرفت سوق عسکر نکردند خاصه دولت روسیه هر چند سال خسارات حدود تبریز را از دینه قتل قزاق و سالدات و اموال مسروقه و اموال مال التجاره منوبه وغیره را در زمان استبداد صورت میدادند و دولت هم پس از رسیدگی و تحقیقات خسارات وارده آنان را بجالیات تبریز حواله میداد

حال بر غیرتمندان ایراد لازم است که سلوک آنها را در دوره استبداد و مشروطه مقایسه نمایند و میزان سیاسی بدست بیارند سبب تسامحات و تساهلاتشان دوره استبداد چه بود و سبب این تضییقات و تشدیدات دوره تجدد و تعالی مشروطیت چیست. تنهات سیاسی ما را می کشاند باینکه سبب اصلی مسامحات آن دوره قبول اظهارات و تقاضای دولتی بود در دربار ایران و هیئت درباری حسی غیر ملی آقا نداشتند و علت این افعال و

یا بحسی و بی شرفی یا طمع مالی یا عنوان تقرب بدولتین ~~که~~ در نظر دوباریان سابق مقدم بر حفظ ناموس دین و اعتصام مملکت اسلامی و مادر وطن بوده یا جهات دیگر. ولی امروزه آن هیولای منفعله بصورت دیگر جلوه گر شده فعلیت پیدا کرده در جنب اظهارات سفیرین قبول محض و جسد بی روح نیستند و اظهارات ایران و بران کن و تقاضاهای خلاف قانون نموده قبول نیامده سدی در جلو خود مشامده نموده لاید بنای زورگوئی گذارده بعملیات نامشروع اقدام مینمایند و بهانه های خنك را بقول مأمورین خود اظهار میدارند و نیز میدانند که حس ایرانیان بضمیمه اعتقاد مذهبی که در جمیت ایرانیان هست اگر اندک زمانی در دوره تعالی روزگار سپری نمایند قطعاً دعوی همسری بلصکه برتری بر دول عالم خواهند کرد و همیشه در میدان حریت افکار و قلم وارد شوند اسباب استکمال و ارتقاء ملت خویش را فراهم و سد محکم در جلو تجاوزات حق شکنانه اجانب احداث خواهند کرد اینست که این موانع غیر قانونی و اسباب توحش را فراهم میسازند که شاید بدین وسیله صورت فحاله حالیه را از هیولای دوباریان سلب نموده بطریق قهقری بحالت منفعله سابق رجعت دهند

و نیز دخول نشون روس چون بی تشبث قانونی بوده هیچ سبب موجه که یکی از فصول عهدنامهها و ابواب علم حقوق بین الدول و نزاکت بین الملل منطبق بشود نیست وسائل مجعوله این دولت بنظر اعتراض دزد بود به صاحب باغ چون تو وایمی زلت کفش نخریدی من آمدم در باغ تو زرد آلو بخورم. پس ملت ایران بداند که این مواعید روس حرقوبی و کذبیت بدون هیچ اقدام عملی برخواهد گشت بهمان وسائل مجعوله که آمده خواهد ماند باین منسک مسالمت هفده ماهه ماخارج نخواهد شد باید قهرا امروزه ملت منسک دیگر اختیار کند و عدم مؤثریت منسک سابق را نیساید موقع تردید دانست نشویش اذهان فراهم شود.

حال باید عقلا بملکت جیباً از روحانیان و وزراء و اعیان و امراء و روساء عشار خود یا امینشان در مرکز احتفال نمایند و طریق شواری عمومی مشامده گشته بوقت نگارند

بمانند که اصول طرق اخراج قشون روس چیست
آن مسلک را مابجلا بگری دارند، اسنان ایرانیان
از تو بیخ یکدیگر اغراض نموده مساک اعتدال و
انقلاب و ارتجاع و رد مذاکرات را موقتاً صرف نظر
نموده جبهات صائبه حفظ استقلال ایران و سیانت
احکام دین و حدود وطن را وجهه وحدانیه دانسته
به ارباب حراند طمن بروحایان زنند و نه روحایان
موجبات اختلاف کله و رجس اشخاص را بخود به
پسندند، کله وحیده استقلال ایران را طالب باشند و
همگی دست بدست داده شق عصای مسلمین را مانع
کردند و مطالب صادره از اشخاص را بجزان بی غرضی
بسجند، اگر آن کلام و رأی مؤید مقصود باشد و
وی عامل شوند و اگر منای استقلال مملکتی باشد
آن کلام را بموقع قبول نیارند، اعم از اینکه گوینده
آن کلام و صاحب رای منای از روی جهالت گفته
باشد یا بخبریک احاب هر چه باشد، چون اشخاص
وا نمیشود تمیز داد و شناخت ولی حرفه‌ی خوب
شناخته میشود، نتیجه این احداث و جمع آوری
ملت اتفاق کله آنها است. پس از آن باید دید
که اگر باستدای هیئت جامعه قشون مسترد
می شود آنها و الا باید بجهاد اقتصادی قیام کرد
و آن ترك ائمة روسیه است که بازده ماه قبل
سبل ائین اعلان داد و بالاته‌ای قیام کنند و
درین جهاد ملیه منتظر چیز دیگر باید شد و
اگر بجهاد اقتصادی هم مرندع نکردد باید رفیق
تراشی کرده ایران خودشرا در حوضه هیئت متحده
دیگری مندرج نماید و بعضی عنوان این اتحاد با
لطیفه روسها مسترد شده به قری سر اجمت خواهند
کرد، انگلیسها هم عزم مداخله قهرآمنشخ خواهند
نمود و باین وسیله معاهدات تسمیه روس و انگلیس
خفتی و بی اثر می ماند و ازین به بعد هم ایران از
برکت اتحاد با هیئت متحده دیگر در صراط حرکت
افتاده از آسیب تجاوزات دو همسایه ایمن میبود و
اگر باینهم متفکر نکردند لاداً وظیفه اسلامیت
و حکم عقل سلیم و صریح وجدان اولویت جهاد
دفاعی است (الموت اولی من رکوب الطور)

روای روحانی میدانند

امروزه که تهاجم کفر بمملکت اسلامی است تکلیف
هر ایرانی بدون استثناء تشکیل اتفاق و اتحاد و جهاد

این مخاطره است، هر يك نفس یکضفر است و به تنهایی
از وی کاری ساخته نیست باید همه کی منفق باشند
نسبت نفاق بدیگری و دعوی و وفای بخود،
مذاکرات مسقط تکلیف نخواهد شد، از ترار معلوم
برخی از محترمین و مضمونین در همه بلاد ایران
ازوا و اعتزال اختیار کرده‌اند، یا بواسطه نادانی
بر جبهات سیاسی یا باعتقاد آنکه مشروطه بدعت
است در زمان اوایل نبوده یا باعتقاد آنکه سبب
تهاجم فلان و فلان شده یا آنکه مشروطه طلبها
مشغول دهه اند باید آنها دفاع کنند یا آنکه من
علم و اطلاعی ندارم یا آنکه من مردی هستم تاجر
و کاسب یا آنکه من راضی بمشروطه نبودم و - و - و
هیچ يك از این معادیر مسقط تکلیف و جوب جهاد
دفاعی نیست سبب این تهاجم هر چه خواهد باشد
خود این واقعه محدث تکلیف و علت نامه توجه
هر جهاد دفاعی است بر تمام افراد ایران یا بطور
کسانی یا عینی و سببه تراشی سبب سقوط خواهد
شد هر ایرانی موظف است که مجاهدات لازمه بکند
فاننا ملت ایران بداید که اکثر دول خیال
توسعه ملک داوند این خیال در مسایگان بحد
کمال است در مقام توسعه حدود همه وسائل
خلاف قانون و منای عدل و انصاف مرتکب میشوند
و ابدأ باعمال قانون مساوات در مستملکات خود
راضی نمیشوند، چنانچه احوالات هندوستان و مصر
و قفقاز و ترکستان و مند و چین و الجزایر و تونس
بخوبی ایچاده را مبرهن میدارد و دولت روس که
دارای مذهب اوتودوکس است علاوه بر جبهات
سیاسی و مملکت گیری و توسعه حدود و اعمال
وصالیه بطر و تحیل امپراطوری اقطه آسیا و
اجرای بغاوت نسبت بتصرفات خود بکبحو عداوت
مخصوص بشرع و قرآن دارد گویا این عزم فاسد
در کله سیاسیون روس بیشتر از حزب توسعه حدود
جنش دارد همیشه باین توهمات مستکثفه و تحیلات
سخنینه اقدامات مجده در عدم اساس دین قوم
دارد چنانچه اقدامات آنها چند سال قبل در
ترکستان و اجبار قضات مسلمین بر تبدیل اذان
بناقوس و وضع مجسمه امپراطور و امپراطریس
در براههای مساجد و احتیاط آیات جهاد و آیات
اسلامیه از قرآن کرده و ترك ایستادن الخلال

مسلمین تا بن (۲۱) سال و هم چنین اسم روسی گذاردن بهر بجه مسلم که در دفاتر دولتی بآن اسم ثبت بشود و و و و و

اینها دلائل واضحی است که عداوت اسلامی در دماغهای روسیان با محبت توسعه حدود دولتی مقارن است و اهتمام دارد که در قفقازیه هم مانند حاجی ترخان و ولاد قفقاز و باغچه سرا و فرم و غیره بکند بقسی که اسم مبارک و آثار مقدسه اسلامی از قلمرو او بکلی خارج و از اذهان محو گردد، چنانچه اگر کسی در مکایب قفقازیه دقت عاقلانه بکند خواهد دانست که این ترتیب اضحلال دین مقدس اسلام است که کم کم دو سه دوره دیگر از اذهان دراموش خواهد شد چنانچه حالت حالیه قفقازیه و داعستان خیل شبیه است بحالت اسپانیول بعد از مغلوب شدن سلاطین اسلامی و تسلط سلطنت اسپانیول در آنجا، چنانچه امروزه انوری از اسلام در آنجا مانده و جمیع مساجد اسلامی را خراب یا تبدیل بکلیسا کردند. اطلاعات تاریخی ما را بدانصوب مطوف مبدارند که بمانند مسلمین بگوئیم یا ایها المسلمین یا امة المرحومة از خواب غفلت بیدار شوید، قفقازیه و ترکستان بعد از صد سال حالت حالیه اسپانیول را پیدا می کنند و ایقدر جزئی مماشات هم که با اسلامیان میشود همه بواسطه استقلال عثمانی و ایران و افغان است و اگر خدای نا کرده امروزه استقلال ایران را منزلت میکنند مدتی نگذرد که همین گربه رقصابان را برای افغان و عثمانی بنایند و اگر العیاذ بالله بر بیوق های اسلامی ندمه وارد شد روس در متصرفات خود بکلی آثار اسلامی را معدوم خواهد ساخت باوجود این سه دولت بواسطه ضروری که دارد اینهمه اختلالات در عقاید مسلمین می کند، وای تا روزیکه تسخیر بالله بیشتر از این ضعف بیثبات مسلمین وارد بشود، معلوم است که آنروز چه خواهد مسکرد. بیدار بشوید تیغفلوا ایها المسلمین

اتفاق اسلامی در ایران لازم است با وجودیکه امروز مملکت ایران در حالت نزاع است و استقلال این دولت شش هزار ساله (که وقتی از جهوش تا انصافی شام در تحت استیلای این مملکت است) و در این مملکت روسها و انگلیسها و فرانسه و...

کافی و علمایی صاحب علم و حکمای بزرگ و سرداران جلیل القدر که مادر دهر هنوز مانده آنها بعرضه وجود نیاروده و اسامی مبارک آنها در دفتر کاینات به نیکی ثبت است) متزعزع بقدری راه نجات و ترقی برای این دولت موجود است که میتواند در عرصه قلیل ره صدساله را بیودن، در لایحه سردار زاده افغان که در جبل المتین درج شده قدری تأمل فرمائید، آیا مردن و کشته شدن بهتر است یا آنکه اهالی افغانستان ما را بیخبرتی و جهالت بلکه با امردی از روی محبت و وادری بخوانند، در صورتیکه در یکقرن قبل افغانها سر تا پا محتاج باها بوده حتی مرحوم امیر عبدالرحمن استادان همدانی حبه ساختن چره و غیره از ایران جلب فرمود و در کتاب سواخ عمری خود می نویسد، جهالت افغانها بمحمدی بود که در پشاور عکاسی آمد عکس مرا بردارد همینکه دور پیرا برار من نهاد یکی از سردارهای بزرگ خود را بروی دوربین انداخته گفت ببخواهند توب پشا خالی بایند، با هزار زحمت او را دور کرده حالی نمودند که توب نیست

امروز فهمیدند که باید با ایران اتفاق کرد امروز حاضرند بجهت اتفاق، امروز در خیال نجات ما میباشند، فهمیدند که دشمنی های سابقه تمام از همسایگان بوده که که توحید و قانون اسلام را بردارند، عصمت را بردارند، چه اسلام اهل توحید و دشمن شرک و کفر است، میگویند کتاب آسمانی مسلمانان را باید برداشت محو کرد زیرا که در قرآن مجید اهل اسلام را امر بجهاد میفرماید امر باتفاق میفرماید، امر بدادن خمس و زکوة میفرماید، مشرکین و کفار را نجس و حرام فرموده، شراب را نجس و حرام فرموده، قمار را حرام و ممنوع داشته، کلب و خنزیر را نجس العین و هكذا، این احکام آسمانی تمام یا اغلب مضر بقوانین دولهاری میباشد که خوک در ممالکشان حکم گوسفند دارد و مالیات مسکرات حصه بزرگ درآمد از ملت است و نجس مشرکین اعانت است، اتفاق مسلمانان مغلوبیت کفر را لازم است،

حاصل آنکه امروز اگر اندکی بدقت ملاحظه نمایم از پانصد سال قبل دول اجنبی در تدارک محمودین مذهب مقدس بوده و بعد از جنگ صلیب روح قوانین اسلام را در این مملکت...

میانه اهل اسلام و غیره انداختند ، بر هر صاحب عقل و دراست پوشیده نیست ، تعجب است کسانی که شما آنها را مشرک میدانید با وجود تباین مذهب از بروستان و غیره ~~که~~ ساداً خونهای خود را ریخته دست های مردم را بریده در روغن داغ می نهند که قبول مذاهب کاتولیک نمایند و با تازیانه و شمشیر آنها را در رودخانه ها داخل کرده که عمل آمویه نمایند ، امروز در مقابل اسلام و کلمه توحید اتحاد و اتفاق نموده که اسلام را محو نمایند و کتاب آسمانی ما را معدوم سازند ، ما اهالی اسلام ~~که~~ باید بر تمام اهالی روی زمین محرم باشیم زیرا که اعظم معجزات و بزرگترین کلمات که از اول خلقت کائنات تا کنون کلامی بزرگتر از آن دیده و شنیده نشده چنانچه تمام فرق باطله اهل شرکت دیگر خجالت میکشند اظهار کلمه خدا پرستی نمایند چرا که همین شرک است ، آیا نباید تمام ماها در تحت کلمه لا اله الا الله و نوابی مقدس محمد رسول الله اتفاق باشیم و خود را از بجه مدعیان نجات دهیم ؟

قل از روز نامه شریفه عصر

(منطبعة طهران)

(لزوم امنیت)

- امنیت مفتاح باب سعادت است
- امنیت وسیله آسایش ملت و آبادی مملکت است
- امنیت باعث تحکیم قوای دولت است
- امنیت سبب تزئید ثروت است
- امنیت حافظ استقلال وطن است
- امنیت قطع کننده بهانه اجانب است
- ترقیات فوق الساده ملل خارجه را که مغبوط ما ایرانیان است جز امنیت سبی نیست
- امنیت اروپائیان را ضمانت میکند برای تشکیل شرکتهای بزرگ
- امنیت ملل خارجه را اطمینان میدهد برای اقدام در کارهای ترک
- امنیت است که حقوق افراد را محفوظ و ایشان را بهم مربوط میکند تا دست بدست داده در تزئید ثروت و تجارت و زراعت و آبادی مملکت بکوشند

حالا که امنیت را که یکی از دو نعمت مجهول القدر است اجمالاً بنظر قارئین کرام معرفی کردیم

باید کیفیت آن را نیز معلوم کنیم که مقصود از امنیتی که وسیله حصول این همه ترقیات که در بالا شمردیم میتواند بشود چیست ، و آن امنیت ~~که~~ ما میگوئیم کدام است ؟

امنیت بر دو نوع است ، یکی امنیت مادی و دیگری معنوی ، و منشا امنیت مادی هم همان امنیت معنوی است ، بدلیل اینکه تا افراد معنأ بهم دیگر امنیت نداشته باشند که مراد از امنیت معنوی همان امنیت و رابطه افراد است بیکدیگر امنیت مادی نیز حاصل نتواند شد

ما اگر امروز با يك صدای رسا فریاد کنیم که در وطن عزیز امنیت نداریم مقصود ما امنیت مادی نیست - زیرا امنیت مادی و من ما هر امر مرتبه از امنیت مادی روسیه بهتر و بیشتر است ، بدلیل اینکه با این همه عدم وسایل از برای استقرار امنیت از قبیل پولیس و قوت و غیره باز نذل و عارت و سرقت در وطن ما بالنسبه بروسیه بمرله صفر است ، بلکه مقصود ما امنیت معنوی است که يك اتحاد و رابطه در هیئت جامعه ملت باشد و چون در این مسئله یعنی عدم امنیت معنوی باریک شویم خواهیم دید که تنصیر با روسای قوم است که نمود کله دارند و میتوانند هیئت جامعه ملت را بهم مربوط کنند و مقصر حقیقی هم ایشانند که ملت بیچاره ~~که~~ حکم گوسفند دارد در تحت عنوانات مختلفه که جز اختلاف لفظی معنی دیگری ندارد مانند اعتدال انقلاب ... مشتت و پراکنده نموده و رشته اتحاد و رابطه افراد ملت را که اگر مربوط باشد حافظ استقلال وطن ما است برای پیشرفت اغراض شخصییه خوف شان از هم گسیخته و وطن عزیز ما را بیک مخاطره عظیمی یعنی اضحلال معروض نموده اند و در نظام باسم وطن پرستی مشروطه طلبی استقلال خواهی و اما در باطن برای برگردن کبسه و رسیدن بمقامات عالیه جمی را که هر را از بر فرق نمیگذارند بدور سر جمع کرده مشغول زدو خورد با طرف دیگرند ، دولت روس لشکر خود را که باسم حفظ اتباع خارجه بوطن عزیز ما داخل کرده و امروز در حاتی که وجود ایشان منشا فسادات و سبب تضعیف قوای حکومت محلی است و مخاطره هم برای اتباع خارجه بپنج وجه موجود نیست چنانچه از روز اول هم ~~که~~ ~~چرا~~

پس نمیکشد؟ ما که در مملکت خودمان امنیت مادی
بهراتب از روسها در روسیه بهتر و بیشتر داریم
پس پناه این دولت ~~که~~ میخواهد از ضعف ما
استفاده کند و قشونش را بخلاف تمام قوانین موضوعه
در مملکت ما نگاه داشته و آنها را فرست میبخشد
چیت؟ همان عدم امنیت معنویست که رؤسای ما
مؤسس میباشند

اگر رؤسای ملت که با اعتقاد ما باعث توقف
قشون روس در ایران و مخرب استقلال چندین هزار
ساله ما میباشد تا حال این نکته را که (یقین داریم
میدانند) متوجه نشده اند، حالا بخوبی بدانند که تا
اختلاف در میان ایشان موجود است لشکر روس
هم به پناه موجودیت اختلاف وطن عزیز ما را
ترك نخواهد گفت و هر روزی که ایشان دست
از اعراض شخصیه کشیده و از فکر برگردن کبیه
و رسیدن مقامات مکنونه مجنونه خود که در خاطر
دارند صرف نظر نموده و متحداً بخیال حفظ
استقلال وطن اتساعند همان روز لشکر خارجی هم
بالمجوریه خاک ما را وداع خواهد گشت

ای رؤسا، ای رؤسا، بیاید دست ازین
اعراض که نتیجه اش رفتن استقلال چندین هزار
ساله ما است بکشید، بیاید باشد هم بخود و غایه
خود و هم باین ملت بچاره رحم کنید و بدانید که
امروز مخالفت شما با یکدیگر خدمت ما دشمن است،
شما اگر حقیقتاً درد وطن دارید چنانچه از تمام شما
فردا فرد شنبه ایم میگوئید داریم، شما اگر واقعا
وطن پرست هستید چنانکه کرارا شنیده ایم میگوئید
هستیم، و اگر شما راستی راستی در قول خرد صادقید
چنانچه ادعا میکنید هستیم، باید امروز بدانید ~~که~~
دیگر وقت مخالفت گذشته و زمان اتحاد است. و باید
بدانید که این اختلاف دارد شما را از يك طریق
هولناکی که منتهای او وصول بقعه عبودیت به اجانب
است که از برای مرد عبرتند از هر سختی سخت
تر است عبور میدهند و در پایان کار شما را سردار
خواهد رسانید، و اگر شما درد وطن ندارید و وطن
پرست نیستید و در قول خود کاذبید یعنی شريك
دزد و رفیق قافله اید و دارید ما را کول میزنید
باز شما عرض میکنیم که خود را کول میزنید، نزنید
به بیاید از رفتار هولناک که نسبت بر رؤسائی که

ملت خود خائن بودند ~~کرده~~ عبرتی بگیریید . و
بدانید که اگر شما این وطن عزیز را با جانب تفویض
کنید اول کسیکه شما را مجازات خواهد کرد همان
اجنبی است که شما او را بخانه خود دلالت نموده و
با کمال پست نظری آلت فتح او شده اید زیرا دولت
روس را که امروز در اعداد دول متمدنه هم
محسوب نیست بعد از آنکه شما بخانه خود دعوت و
بر خود حاکم کردید اخلاقتش راضی نخواهد شد که
خان را مجازات ندهد، و دولت انگلیس هم ~~که~~
خود را اول متمدن دنیا بدنام اعلان میکند و اخلاق
خود را نیز از اخلاق روسیه عالی تر میدانند البته
مجازات عالی تر خواهد داد .

در خانه این مقال لازم میدانیم که هموطنان
عزیز خود را با کمال احترام مخاطب نموده و عرض
کنیم که ای برادران عزیز چشم و گوش خود را باز
کرده گول نخورید که رؤساء ما که شما را دعوت
بطرفداری خود و ضدیت با طرف میبکنند جز
منافع شخصیه که ضرر ما ملت بچاره که خودشان هم
در اعداد افراد ما معدودند منظری ندارند و ما را
اگر حس ملی داریم واجب است که با يك قوت
ملیه رؤسای خود را مجبور بانحداد و اتفاق کنیم تا
مگر بتوانیم از شر ایشان خلاصی حاصل و وطن
خود را برای اخلاف مستقل نگاه داریم

بوشهر

روز جمعه ۴ شهر جاری بتوسط دریاییکی
و جماعتی دیگر در شهر اشاعه یافت ~~که~~ جناب
نظام السلطنه فرمانفرمای عالیله فارس وارد غازی
(غازی محلی است در دریا يك فرسنگی شهر)
گردیده سردار عشایر که مدت ده یوم در بوشهر
متوقف و همه قسم ناملاایات و سوء سلوک تن در
داده بود و هم زیاد ماندن در بوشهر را سبب اوقات
تلخی حکمران میدانست و میخواست زود تری
از بوشهر خلاص شود و دفع آورده کی خود
نماید و چون از رسوم کشتی که صاحب منصب در
او باشد بی التفات بود که باید برجم مخصوص در
سینه جهاز آشکار نماید، فریب خورده از منزل خود
که يك فرسنگی بوشهر و در بیرون است تشریف
ببوشهر آورده با حکمران در لایح مخصوص
بطرف جهاز (میل) رهسپار گردیدند (لطف اعجابست

که تا داخل غراب نشدند نداشتند که ایالت در او نیست) چون فهمیدند ایالت تشریف ندارند بالاتفاق معاودت بشهر کردند

امروز که روز ششم است همچو شهرت یافته که فردا بامیل رسمی ایالت وارد خواهد شد

سلم و حلم و حسن وطن خواهی سردار طوری مشاهده میروید که بگفتن و نوشتن راست نیاید، این مرد بزرگ با آنکه زاید از پانصد نفر سوار ترک همراه دارد و هر آن هم در صد بدنام کردن او جماعتی دامن همت بکمر زده اند با این حال نمیتوان گفت با اندازه خردلی ضرر به دستگاه کسی وارد آورده باشد، هیچکس نمیتواند اظهار کند که از سوارهای او يك كچه آواز بلند شنیده باشد

عجب تر آنکه مبعواستند موقعا غنیمت شمرده بهاء فرام آرد از حسن کفایتی که دارا هست صرفقه را زد، جماعتی از تنگتانیها که اغلب بواسطه سوء رفتار با دشتتانیها خون دار بودند دروشهر احضار شد ۴۰۰ نفری از همه جا بر حسب طلب دریایی حاضر بودند بحمدالله تیر تدبیرش هدف مرام اصابت نمود، جناب سردار بنوسط جناب مفتی الدوله که الحوق گوی درست کاری از همکنان بوده سازش به دریایی حاکم دادند که خواستی تنگچیان برای چیست؟ من که بای دولت نیستم جناب ایالت هم کار کن صدیق دولت است در چنین صورت خلاف مصلحت وقت است که این تجمع فرام شود (چاه اش آباد شهید) سفارش جناب سردار را قبول فرموده عده از تنگتانیها را معاودت داد، حالا فقط احمد خان انکالی با صد نفری و شیخ محمد خان چاه کوتاهی با پنجاه نفری دروشهر حاضرند، بملازم اسماعیل خان شبانکاره که نوکر ایالت است هم دروشهر است، عطففر السلطنه رازجانی هم تشریف دارند، میان رازجانی و شبانکاره هم سالها است دشمنی است خدا کند آنها از طریق حزم خارج نشوند وگرنه مفسد بیکار است

چیزیکه بیشتر سبب امیدواری است همان درست کاری جناب دولت سردار عشایر است وای آنکه انصاف را شهید نکرده بانم عرض میکنم

باقر بك كشكولى کلانتر ایل کشکولی است یکی از بستگانش دو حالیکه سردار پشت بام عمارت بوده

و دیده يك تنگ چوب خشکی از درخت که حوالی منزلش بوده شکسته که برای شام خود غذائی تهیه کند فوراً آن نوکر را طلبیده پس از استفسار معلوم می کند که نوکر باقر بك است، علی الزور باقر بك را طلبیده با تفنگی که دوش خود باقر بك بوده چنان بسر و صورت او می زند که قنداق تفنگ ریزه و شکسته میشود، خود باقر بك هم سه چهار روز بستری بوده، انتظام شوارع و طرق را هم کابلیق داده

امیدواریم که انشاءالله از عهد انتظامات هر جا برآیند و لکه تاریخی را از روی تمام قطعه جنوب بردارند

ایضاً

آقای نظام السلطنه فرمانفرمای ایالت فارس ظهر روز هشتم محرم وارد بوشهر گردیدند قریب دوست نفر سوارهای کرد و اجزاء همراه ایشان میباشد پنج روز است فعلاً در عمارات بیرون شهر توقف نموده اند هر روزه جناب سردار عشایر و دریایی ملاقات ایشان میروند، از هر يك از خوانین دشتستان که باستقبال آمده بکده دیگر سوار و تفنگچی خواسته است چند روز قبل نیز یکدسته سوار دیگر هم از برای سردار عشایر آمد، افواه است که این اجتماع از برای تخلیه بندر دلووار و سایر بنادر تنگستان و تنبیه متمردين و مرتکبین عمل قاچاقی است، ولی بهقیده نگارنده برای سرکوبی زایل خضر تنگستانی است که تنگستان و اهرم را دو سال است تصرف نموده و يك بول مالیات نداده، احتمال دارد که تغییر و تبدیلی در ضابطین دشتی که ساطعات مالیات داده اند واقع شود، زیرا که جالخان چون مرده متحرك و وجودش بجز ننگ و ضرر چیزی ندارد

خوانین دشتستان همه از هیمنه و شوکت ایالت جدید در خوف و هراس همه مالیات عقب افتاده خود را تسلیم نمودند، راهها بحمدالله امن و منظم قوافل و پست مرتباً آمد و شد مینمایند ولی هنوز گرفتار چپاول و غارت تنگچیان راه خاصه برازجان و دالکی بلکه تمام راه تا خود شیراز میباشد، چنانچه اگر کرایه صد من بانزده تومان باشد ده تومان آن بالقامه صرف اجناس تنگچیان راه میشود، فرستاده

بفرسغ آنها را نگاه داشته راهداری میگیرند، بارها را ملاحظه میکنند، مرگه میوه و خوردنی باشد اقلاناً ثلث آن باید برای کدخدا و فلاں یک برده شود و مسلم است که انتظام راه و قتی است که این نوع تعدیات مستحفظین راه که هر ساله مبلنی از مواجب آنها، خان و کلانتری از اصل مالیات دیوانی کم میکنند مرتفع گردد

(رفع اجحافات تفنگچیان راه)

(قابل توجه جناب نظام الساطنه)

مشهور است در زمان فرمافرمائی فرهاد میرزا چند نفر سواران مستحفظ راه محصور آمدند و در کوه مرحوم فرهاد میرزا از انتظام و امنیت راه از ایشان سؤال مینماید، ایشان در جواب میگویند الحمد لله از حسن کنایت حضرت اجل این قدر راهها منظم است که مکاربان بارهای بادام خود را در کوه و بیابان نگاه و رها نموده بعد از چند روز دیگر می آیند و میبرند، فرهاد میرزا سؤال نموده از کجا دانستید که بارها با دام بوده، جواب گفتند که بیاده شده انگشت به بارها نهاده میبندیم که با دام است، در آنحال فرهاد میرزا حکم میدهد انگشتان سوارها را داد، علت را چنین مذکور مینمایند که اگر این اشخاص که مستحفظ هستند جرئت انگشت به بار نهادن نکنند دیگران جرئت دست زدن نخواهند نمود -

از برای ایالتی که مدتها هرج و مرج بوده و مردم بغارت و چپاول و مال مردم خوری عادت نموده اند و هیچیک از ادارات منظم نبوده بملاوه تحریک بزرگان در اغتشاش نمودن مردم را جری ساخته بجز مجازات نمودن و قصاص کردن و بزور عملیات چاره نیست، ولی امروزه باید بزرگان مفسد و سران مخرب آشوب طلب که عوام را به بلوا و اغتشاش و راه زنی وادار نموده و مینمایند اولاً در عدلیه استنطاق و فوراً مجازات نمود، بطور حتم و یقین اگر دو نفر از آن قبیل اشخاص که مخصوصاً در فارس بسیارند مجازات و قصاص شوند فوراً انتظام و امنیت جاری خواهد شد، باید ماده فساد را قطع نمود، محرك اغتشاش را باید نیست و نلبود کرد و الا هر یک از حکام و فرمان فرمایان سابق نیز هر وقت حکومت خود پیشتر از ده

نفر رعیت بی نام و نشان شاید هم بی نصیر میکشند و چند روزی هم امنیت صوری ظاهر میگردید چون بانیان ناساد بودند مجدداً فرصت بدست آورده در بردن مال و ریختن خون و راه زنی و غارت و آشوب اقدام میکردند

﴿ مکالمه ریاست کل پستخانجات خلیج ﴾

(با جناب صولت الدوله سردار عشار)

رئیس پست - مستدعیم به مستحفظین راه قدغن فرمائید بیشتر از سابق در محاربت پست توجه مینمایند سردار عشار - من اهمیت پست را بیشتر از مال التجاره میدانم چرا که جمیع مردم به امید و انتظار آمدن پست و خواندن اخبار هستند و توسعه تجارت به آمد و رفت پست است، انشاء الله همچنانکه مال التجاره سلامت میرسد پست هم سالم است

رئیس پست - بنده همیشه از توجهات جناب اجل حضور وزارت جلیله پست عریضه کرده، خاصه حالا که به شرفیابی حضوری موفق شده آنچه را فهمیده ام عریضه میکنم

سردار عشار - امیدوارم اگر روزگار بگذارد در این دوره تاریخی خدمتی که از دستم بر می آید در حق دولت و ملت خود مضایقه نکنم از هر چه آسوده ماشید و با کمال اطمینان پست را بفرستید که به امید خداوند سلامت خواهد رسید

رئیس پست - تا کنون در فرستادن امانات امساک میکردم زیرا که مطمئن نبودم لکن حالا با کمال خاطر جمعی مرجه باشد میفرستم

سردار عشار - معلوم است که مقصود از پست نه فقط نوشته جات است البته همه قسم امانت با پست حل میشود، اما من اهمیت نوشته جات را که اسرار مردم است بیشتر از امانات میدانم

﴿ بندر عباس ﴾

شهرت یافته که اسدالله خان کلانتر سابق شمیلات تابع بندر عباس چندی است سر بشرارت برداشته و مانع از ادای مالیات و میگویند خود را بنده شیخ ذکریا میداند چند یوم قبل مصباح دیوان نایب الحکومه عباسی بحکم دریایی یک نفر از اقوام خود را با عده تفنگچی روانه شمیلات نمود جهت سرکوبی اسدالله خان و نظم آن حدود و دریافت مالیات، از حرکت تفنگچی مشارالیه خبر شده استمداد از حسین معروف خواسته

بود. مشارالیه نیز فوری از منزل خود باعده سوار و تفنگچی حرکت نموده در راه نیز علی ملا سنی احمدی مشهور را ملاقات نموده ایشان نیز با اتباع خود بمدد اسدالله خان رسیدند، چنانچه برود حسین سر راه و مامورین حکومت بسته روز سوم محرم جنگ واقع، تفنگچی حکومتی زور آورده اشرار قریب يك فرسنگ عقب می نشینند تا میرسد به قلمه که در تصرف بستگان اسدالله خان بوده ساکن میشوند، يك قنداق توپ که بافای اردو بوده امر میشود به توپ زدند، اما افسوس که بازده تیر توپ شلیک نموده و يك گلوله به قلمه مینورده نمیدانم توبی ناشی بوده یا خیانت نموده طرف عمر اردو معاودت بمنزل خود مینماید از طرف تفنگچی حکومت يك نفر و از طرف اشرار ۳ نفر قتل شده از اردو فوراً قاصد روانه نموده و خان باما خان سرهنگ توپ خانه عباسی را خواسته بودند ولی مشارالیه در وقت قدری مداعنه دارد و خوف خود را آشکارا مینماید که چنانچه باعده تفنگچی و استعداد مرا از طریق دریا روانه میکنی که از کنار دریا الی اردوگاه که قریب يك فرسنگ است هم تفنگچی استقبال کند میروم و الا خوف دارم که مرا بکشند نمیتوانم بروم دیگر نمیدانم اشاره از جانی دارد که اینگونه مذاکرات مینماید یا آنکه راست میگوید و از خوف میروم.

مصباح دیوان طاهرا مایل است کار کند لکن اسباب کارها نیست و صاحب کار صحت ندارد کلبه این واقعه سبب دو چیز شد، یکی تلگراف حکمران بنادر که تلگراف نموده بود بول از کرک نخواه بندر عباسی از کف میروم بجهنم، این خبر در اطراف منتشر شد و اشرار جری شدند، نانی مرحمت های سابق حکمران بنادر با اسدالله خان و مجازات شدن او، زیرا این همان اسدالله خان میباشد که در دو سه مرتبه کتب بی شرارت شد، طالبات داد، دزدی کرد، اسباب اذیت و آزار اهالی شد، ولی در مقابل مکافات و مجازات مورد مرحمت گردید و در نه ماه قبل از این که در بابی در عباسی بود توسط مفرضین از سر تقصیرات اسدالله خان گذشته عفو و مجبند او را بنگلانی شمیلات سر افراز نمود، قلمه نانی وقت شمیلات

پس از تعدیات زیاد اندازه سه هزار تومان محصول املاک (حسن لنگی) که مال دولت بود تصرف نمود مجدد حکمران تشریف فرمای عباسی و میناب شده، اسدالله خان در (زیارت) هشت فرسنگی عباسی نشسته بود و ممکن بود او را بدون زحمت دست گیر نموده هم اخذ محصول املاک دیوانی نماید و هم مجازات بدهد ولی نکرد، این همان اسدالله خان میباشد که نه ماه قبل با بودن حکمران در عباسی سؤال و جواب با اشرار داشت و حکمران نیز مطلع بود چنانچه يك از وطن خواهان خط سر کرده اشرار از دست آف گرفت و مسترد نداشت مشارالیه بدون نانی عرض آن وطن خواه را خدمت حکمران نموده بود حکمران آدم مخصوص فرستاده بود که خط را گرفته مسترد دارد ولی مشارالیه در عالم وطن خواهی سخت ایستاده و خط را رد نکرد و بجائی که باید فرستد فرستاده البته در صورتیکه با این همه خیانت و شرارت و دزدی باز مورد مرحمت حکمران شود و بگلانتری سر افراز گردد و خیانت و شرارتی کند مکافات و مجازاتی نه بند علاوه از اینها هم خواهد کرد، ایست که اگر این مرحله را عرض کنم خود آورد در بابی می باشد خطا نگفته ام کنون نیز تفنگچی حکومتی در (جلالی) و حسین با استعداد در (زیارت) منزل اسدالله خان میباشد تا بعد چه شود، هر قسم واقع شد از بعد برض خواهم رسانید، مصباح دیوان هم در کار متحیر است نه راه به خارج تفنگچی میبرد و نه به تکلیف خود، هر آینه اگر مکلف داشت و راه به تکلیف میبرد در خدمت بدولت و ملت هیچگونه مسامحه نداشت

چهل المئین

از قرار خبر غیر مستقیم که با داره رسیده یعنی از بوشهر نه از بندر عباس جماعتی از سولجر که عده شان نخبیناً بین چهل و پنجاه است با اسم اینکه افغانان در عباسی می آیند و بر قونسل خانه خوف وارد است بساحل ورود نموده و نیز افواها میگویند که دو برج هم در دوطرف قونسل خانه ساخته اند اگر این خبر مقررین بصحت باشد تمام امینی بر خیالات قاصد در بابی است چنانچه در پیش تمام و چهل المئین

طاست که چهاره در یکی از بنادر اغتشاش انداخته
برای دولت خرج ترانی نماید چون وزیر مالیه
سالم گمرک از وظیفه تنگبی شد بمخواهد بشرف
دست بوزیر مالیه بقبولاند. درست اگر در عنوان
تلگراف دریایی بنائب الحکومه عباسی غور شود بخوبی
ظاهر خواهد شد که هم واقعه شمیلان و هم واقعه
خونلسخه را دریایی جلب نموده خداوند آن
دوری را در ایران ظاهر کند که سزای وطن
خروشان در کنارشان گذارده آید. مسلم است که
دریایی بوقه عباسی قناعت نخواهد نمود و عنقریب
آتش فتنه را در سایر بلاد دامن خواهد زد و تا وقتیکه
این مرد به حکومت خلیج بر قرار باشد دولت نباید
تمنای هیچگونه مالیاتی از سید فرسنگ خاک بنادر
داشته باشد. بلکه باید جنم پونی از کلبه سواحل جنوب
کند. برادر یک مسموع شده حکومت خلیج یا موقتاً
تحت حکومت فارس قرار داده خواهد شد و یا
غریب حکمران وطن خواه با اقتداری رایج
خلیج خواهند فرستاد ولی هر قدر زود یکی ازین
دو امر واقع شود مازم دیر است

خبر اخبارات بندر لنکه و دبی

روز چهارم برج جدی نام اینک در یکی
از خانه های دوی چهار صد قبضه تنگ است شباه
غریب یکصد سولجر از جهاز جنکی انگلیس
بیاده اطراف خانه را محاصره مینمایند. طلوع
دروازه را شکسته که داخل شوند اهل و عیال و
کسان آن خانه جلوگیری مینمایند - سولجر شلیک
میکند. از طرف آن خانه و اهل ولایت هم شلیک
میشود. اهالی اجتماع کرده - در بین زد و خورد
حشت نفر سولجر کشته و زخمی و باقی محاصره
میشوند. از جهاز نیز چند توپ تیر شلیک می شود
و قریب سی نفر اعراب را کشته و زخمی مینماید. بعد
کپتان که دستگیر بوده با شیخ بطنی جواب و سؤال
میکند. شخصی که مترجم بین بوده اظهار میداشت -
شیخ - شما بجه استحقاق سولجر بیاده کرده و
بدون اطلاع من اطراف خانه مردم محاصره نموده
و دروازه شکسته که داخل شوید.

کپتان - چون از طرف دولت مامور اسلحه
حیداشیم و ابورت دادند که داخل این خانه تنگ
باشم بموجب ماموریت خود عمل کرده

شیخ - بسیار خوب - اما باید اول بمن اطلاع
بدهی چون اطلاع نداده و قریب سی نفر از
کسان من کشته شده اند از خلاف قاعده شما
باید نوشته بدهی که توپ شلیک کرده و سی
نفر تلف شده اند. آخر راضی شد و نوشته داد
بعد خود و سولجری که محاصره بودند مرخص
سکرده سوار شدند. آمیرال - و محرک کس
از بوشهر و مستر نیو از بندر لنکه فعلاً در دوی
بجه اصلاح حاضر شده اند.

بموجب خبر ۹ برج جدی شیخ را در جهاز
خواسته اند و شیخ بدون و اعمه رفت در جهاز
در موقی که شیخ شارجه و شیخ بوطنی و غیره
با جمعی که تقریباً پنجاه هزار مرپ بدوی حاضر
بوده اند. در جهاز جنکی احترام بشیخ مینمایند،
محرک کس و آمیرال به شیخ میگویند، محض
این خلاف شما باید این چند مطلب را قبول
نمایند: بر قراری بستخانه و نصب بیرق و یک
نمایند از طرف دولت انگلیس و تلگرافخانه و
پنجاه هزار روپیه جرم و چهار صد قبضه تنگ
شیخ جواب داده اهالی بکلی شروط شما را قبول
نخواهند نمود چیزی که من خود قبول مینمایم پنجاه
هزار روپیه است. اما از بابت تنگ دروغ است هرگاه
وجه آنرا بخواهید حاضر است والا حواله میدهم
در مسقط چهار صد تنگ بگیرند. و معاهده سابق
بکلی منسوخ است الی مابعد باید معاهده سابق بنسب
و رعایاتی که دارند حرکت دهید. هرگاه کسی از
ایشان غارت یا کشته شوند خود را مسئول نمیشویم
قریب نیم ساعت سکوت بوده بعد میگویند شما
تشریف ببرید. بعد از ۲۴ ساعت مذاکره با
کلکته شما جواب خواهم داد. شیخ بیاده شده همین
قدر گفته وجه خواسته اند. فاصله یک ساعت
قریب یکصد و پنجاه هزار روپیه حاضر مینمایند -
غیبت را ملاحظه نماید - یکی از اعراب
و حتی بدوی که تمام دارایش شتری و تنگی و دوازده
روپیه بوده حاضر مینماید که غیر از این ندارم از من
قبول نماید. شیخ قبول نمیکند. زن دلاق میخورد
که باید قبول نماید. میخواهم خود را شریک بنمایم
با شما، خوبست قدری ما از اعراب حسن وطن
پرستی یاد بگیریم شاید بتوانیم حفظ خانه خود نمانیم

تا کنون دو جهاز در دوی میباشد و کلو گذشته از قرار معلوم سلطنت سقط را محض اصلاح خواسته اند .

۱۲ برج جدی مسترینو قونسول لنگه با جهاز وارد شد . اخبار تازه منتشر نشده بواسطه اینکه جهاز دیگری نیامده که خطی یا اخباری داشته باشد گویا هنوز عمل نگذشته است . ولی چون اعراب بسامی ندارند که خود را در تحت حمایت دیگری نمایند یقین است تمکین خواهند نمود . چه معاش و گذران شن از دریا است و نمیتوانند ترک دریا نمایند . فعلاً تمام مشایخ بر عمان مأمور شده و قسم یاد نموده اند که جهاد میبایم و احدی از خارجه را نمیکذاریم قدم در خاک ما بگذارند و قریب شش هزار نفر از رعایای ایران هم در آن جا در زحمت هستند که نمیکذارند خارج شوند . خود شان را با همتی که دارا هستند نگاه داشته اند احدی نمیتواند حرکت کند . اعراب میگویند باعث آبادی مملکت ما شدید که انگلیس به طمع افتاده است و دست از شا بر نمیداریم و مالیه شا باید مصارف جنگ شود تا چه پیش آید

بند و لنگه امنیت برقرار است . از منصور دیوان نایب الحکومه جدید تا کنون مردم رضایت دارند . و قلعه که مدتی بله و اغلب جاهای آن خراب بود از روز ورود عمه گذاشته تعمیر میکنند خیلی خوب تعمیر کرده گویا مخارج از دولت است و اقلاً اگر امساله تعمیر نشده بود بکلی ضایع میشده پشت با مهیا را تماماً اصلاح نمودند .

در خصوص افتتاح انجمن بلدی مجدداً حکمی از طرف حکمران رسیده که کافی السابق منتوح و مشغول اصلاح کارها باشند و نایب الحکومه اظهار همراهی مینماید تا چه شود . اعضا جرئت ندارند اظهار میدارند شاید بازم مثل سابق اسباب اختلال پیش آید . تا بعد از ۱۳ محرم چه اقدام کنند ، راه لارستان کافی السابق ناامن است بست لارستان بکلی زمین خورده بواسطه نه بودن تجارت و عدم اطمینان امبدوارم از ورود ایالت فارس کار منظم شود

عراق عرب

اخبار تازه روی نداده لکن واقعه جز تمدی که بر زوار و طبرین سیل و سکنه خارجه که رعایای

ایران باشند روی میدهد نیست و هیچ عمودی مقتدر بر نیگارش چیزی از اجزای آن نمیباشد . تذکره نفوس که بر حسب امر نامه وزارت خارجه ایران از یکقران گرفته الی زیاد تر میرسد و این هم قیمت تمیری است که بالای تذکره باید بچسباند و به قراء بر بول تذکره باید بدهند و اواسط مردم را پنج قران الی یک تومان و اعلاهی مردم از دو تومان تا زیاد تر برسد . لیکن در ولایات عراق متداول عموم رعایای ایران قیمت تذکره میباشد بیست و دو قران دادنی باشند و کاشکی تمریک توبانی بالای تذکره به چسباندند . تذکره دهنده ولایات مذکور تمریک قران و یا دو قران بالای تذکره چسباندند . ما باقی بول باید کیه شانس می شود کاشکی این بیست و دو قرانی که از قرا گرفته میشود داخل خزانه دولت میشد !

چون زواری که از طریق بوشهر شیرین وارد بخاک عنانی میشود و با از طریق بوشهر وارد میشود از کثرت مصارف ماکولات که اگر چیزی یکقران بیارزد بدو قران بلکه زیاد تر می فروشد می خورد و علاوه برای بول قرانینه و کرایه کاروانسراها و حق القدم خدام های عنیات که راه یک هفته به پیشواز آنها رفته چیزی از دارائی آنها باقی نماند که در کربلا حق القدم برسد . چونکه از طریق بوشهر زوار خیلی وارد میگرددند و رعایای ایران در این راه خیلی هستند کار تذکره خیلی بالا گرفته است . ما کار نداریم سکه چرا این نوع رفتار میکنند . سبب از بی اعتنائی وزارت خارجه ایران است . یک سال وادی است که مشروطیت گویا قرار گرفته هنوز کارها از روی شالوده صحیح نمی گذرد . نگارنده را بواسطه عهد مسعود الضحی که جمیع اشغال و ادارات دولتی تعطیل بود هوای دیدار وطن عزیز دو سر افتاد . از بدو ولادت تا بحال سکه بیست و پنج سال است روسیه وطن عزیز خود را ندیده بود لهذا چونکه محرمه نزدیک بود عازم دیدار معشوقه خود گردیدم وقتی سکه نزدیک (فلیپه) رسیدم سکه قصر سردار ارفع در آنجاست یک ساعت و نیم که دور از بصره واقع گردیده است ملاحظه بیدق شیر و خوشبید که در بالای قصر سردار زده بودند نمودیم بی اینها یک

جهاز كوچك كه گویا مال ایران بود ویدق شیر و حلوزشید داشت دیم رؤیت و مشاهده چنین وضعی هیل مرا مشغوف داشت، از آنجا گذشته رهسپار عمره گردیدم تا اینکه ساعت دو و نیم از روز گذشته بود وارد در نزدیکی گمرک گردیدم، مامورین تذکره که ایستاده بودند مطالبه تذکره کردند، ارائه دادم، اما چند دقیقه در آنجا توقف نمودم چند قایق که داخل آنها ایرانی و عرب و عابای عثمانی بودند در آنجا توقف نموده بودند مامورین تذکره مطالبه تذکره از مشارالیهم مینمودند کسانی که از ایرانیان تذکره مرور داشتند بآنها نشان دادند و کسانی که فقیر بودند و تذکره نگرفته بودند و از مشاهده پهای آنها معلوم میشد که يك بول سپاه ملکیت آنها نمی باشد هرچند داد و فریاد می کشیدند که اگر بول میداشتم در بغداد و یا در بصره تذکره می گرفتیم بنا به خاطر ائمه اطهار علیه السلام مارا ویل بکنید فایده نداشت، اما چند نفر رعابای عثمانی که تذکره نداشتند جواب دادند که ما از رعابای عثمانی هستیم و تذکره نداریم مامورین آنها را رخصت داده بی اینکه مطالبه چیزی از آنها بکنند و داخل ولایت عمره گردیدند

قال توجه اولیای امور دولت علیه ایران امروزه بنادر شیب کوه که قریب بندر لنکه میباشد محل نزول امته قاجاقی قرار گرفته عبارت از بندر (چارك) و بندر (مقام) و بندر (مغویه) باشد که تمام اشیاء قاجاقی از قبیل انواع تفنگ و اسلحه آلات و نیل و جای و فلنل و زردچوبه در این سه بندر بخصوص بندر چارك که بطرف (بسنگ) و لارستان نزدیک تر و حاکم آنجا شیخ صالح نام میباشد یاده نموده و از آنجا از طریق بسنگ و لار بساحل داخله ایران تفرقه نموده بمصرف میرسانند .

مطلب دیگر اینکه امروزه مشایخ محال شیب کوه و جزیره (قیس) بدون اغراق میتوان گفت سالیانه یکصد هزار تومان بانواع مالیات از رعایا اخذ مینمایند، ولی بطور یقین پس از آت که بدون مسامحه مالیات خود را به مامورین دولت میدارند بیشتر از پنج شش هزار تومان نیست و مابقی بحیب خودشان میرود، این همه وجوه را رعیت فقیر عاده ولی باید دولت نشده است، اینهم ثقل

دیگری از مشایخ می باشد، اکنون جلوگیری این دو قمره لازم است که هم سالانه میلی معتد بر مالیه دولت افزوده و هم راه تقرب مال التجاره قاجاقی گمرکی و ممنوعی بسته شود

آنچه بنظر بنده میرسد علاج اینطلب اینست که اولاً بنادر شیب کوه از جمی فارس مجزا نموده و ابواب جمعی بنسادر خلیج فارس قرار بدند که در جزو بندر لنکه باشد و مدوا تمام محال شیب کوه را از تصرف مشایخ که بکلی خواصی برای دولت و ملت ندارند جز اینکه آله دست احاب باشند انتزاع نموده با جزیره قیس بتصرف مامورین دولتی دهند، در این صورت اولاً امکات جلوگیری از امتعه و اموال قاجاقی هست که هرگاه مامورین دولت قادر بر جلوگیری باشند سالیانه مبلغ کافی و گمرک لنکه افزوده میشود و بسلاوه تجارت لنکه ترقی کافی حاصل مینماید، زیرا که امروزه رجوع اهالی محض آوردن امته قاجاقی بسوی عربستان میباشد و باینواسطه تمام خرید و فروش خود را از هر قسم در عربستان مینمایند، در صورت حمايت رجوع شان به بندر لنکه خواهد شد هم و تجارت و هم و گمرک لنکه افزوده خواهد گردید .

ثانیاً در صورتیکه بقرار معمول کنونی اخذ مالیات نمایند که مشایخ معمول داشته اند مثلاً از هر يك فرود جهاز بادی صده حبه خواصی مروراید میرود يك قسمت شیخ محل دارد یعنی مطابق حق يك نفر غواص از هر يك جهاز حق شیخ میباشد بابت مالیات و بسلاوه آنچه صدف که باصطلاح خودشان (مهار) مگویند و کبابی آلمانی بصحرد و حل آلمان مینماید بیرون بیاید امر از اینکه مروراید داشته باشد یا نداشته باشد نیز حق شیخ محل میداند که حق حکومت است، از این دو عمر سالیانه میتوان گفت (۱۰۰۰۰۰) تومان عایدی دارد، مابقی مالیات معمولی زراعت و نمر نخلستان و دواب هم بکذاک. با احوال منجم که اولیای امور بجه سبب اقدام نمی فرمایند و رسیدگی نمی شود، چون هر فرد از ملت تکلیفی ندارد بنده ادای تکلیف خود نمودم تکلیف جناب عالی جناب توجه اولیای امور بسوی این حدود است و تکلیف اولیای دولت رسیدگی فرمودن و معمول داشتن

«اخبارات خارجه»

ناراضی قشون بحری و بری پورتگیز مشکلات عظیم را در جلو این جمهوری تازه جلوگرساخته بود. عقیده قشون این است که در مقابل خدمت به جمهوریت صلح با آنها داده نشود. ازین رو خواهشات عریب و عجیب از حکومت تازه می نمایند. سنیر انگلیس مقیم لندن يك جهاز جنگی طلب نموده است چنان تصور می شود که برای بازگرداندن پادشاه (ما بول) در پرتگیس سازش شده و جماعتی در این سازش گرفتار آمده اند. و تا کنون در این موضوع بوزارت خارجه انگلیس تلگرافی خاص نرسیده است

دو نفر از سولجرهای جهاز (هیانت) که در جنگ (دو) مجروح شده بودند ترك زندگی گشتند. چنان مستفاد نموده اند که اعراب در تنگ های خود استعمال فشنگ های (دمدم) نموده بودند چه استعمالش را دول متهمه ممنوع قرار داده اند

برای جنوبی منچوریا شش ملیون لیرا استقراض می شود که دو ملیون آن را به قروض سابقه داده و چهار ملیونش را صرف تعمیر بندر (دائین) وعیره بجایند

موجب خبریکه از (تولون) رسیده دو سپاهیان جهاز جنگی روس بطرف اسلحه خانه رفته سپاهیان محافظ آنها را محاصرت کرده اعتسای نمودند فوراً محافظین بر آنها شلیک نموده یکی از آنان را بقتل رسانیده اند

دیلی نیوز لندن می نویسد بموجب خبر لندن کابینه طبقات خواهان جمهوریت و طرفدار حکومت جدیدند و خوف هیچگونه اعتشاش و بلوائی برخلاف حکومت می رود. علت ناراضی سپاهیان این بود که در ایام بلوا خدمت پلیسی نیز از آنها گرفته شد سپاهیان خواه پولیس را نیز دعوی مینمودند ولی بواسطه قتل خزانه سلطنت مقدار قلیلی بطریق صلح و انعام با آنها داده آمان قبول نه نمودند این بود که حکومت رخصت چهار ماهه با مواجب با آنها داده تمامی قشون با مسرت زنده باد جمهوری پرتوگیس گویان روانه گردیدند

موجب نگارشات طمس بقية السیف باعباش (دروس) در ریگستان شام فرار نموده و هزار نفر

از آنان تسلیم بانسیران عثمانی شدند طمس لندن می نویسد مجدداً بین دولتین انگلیس و چین منباب ترك تجارت تریاك مخدرات جاری گردیده و بعد نسبت معاهده جدیدی در این باب بشود و هرچه تصور می نمایند که حکومت انگلیس خواهانست باسولیکه حکومت هندمهسا، دوفرستادن تریاك کی میکنند زراعت تریاك هم در چین کم شود و حکومت چین مایل است در مقامیکه زراعت تریاك موقوف گردیده بکلی ورود تریاك خارجه در آن ممنوع باشد ولی مشکل است که پای بندی باین امر بتوانند نمود

حکومت هند بمناعت نموده است که مزدوران هندی، بجانب افریقای جنوبی نروند ازین رو جراثیم انگلستان. ژید این حکم حکومت هند گردیده اند

در (بورنیا) که واقع در ترکستان است چهارم جنوری زلزله شدیدی شد که پنج دقیقه طول مدت آن بود. اطارات بسیار عالی را منهدم ساخته امالی را بریشان خواطر نموده است ۴۰ نفر را تا کنون از زیر آوارها بیرون آورده اند، تا بحکم جنوری زلزله جاری و همومآمکانات بی نقصان نبوده است چنانچه عمارت حکومت و مدرسه عالی آنجا مهدم شده و هزاران نفوس بی خانمان گشته اند

در اروپا خاصه در ایتالیا و اسپانیه نیز زلزله شده است

از راپورت قونسلات خلیج ظامر می شود که در سال ۱۹۱۰ نسبت بسال ۱۹۰۹ قیمتاً (۱۳۲۷۰۰) اسلحه کتر به مسقط وارد شده است

موجب خبریکه از پترزبرگ رسیده دولت روس را عقیده این است که بواسطه بنام دادن دولت انگلیس به انارشیت های بر اعظم اروپا زحائیکه در جلوگیری آنها می شود بهدر رفته است خوب است دولت انگلیس به معیت سائرین در این باب کوشش نموده از انارشیت ها جلوگیری شود

دولت عثمانی مجدداً با صرافان فرانسه در مذاکره تدارک دو ملیون و نیم لیره استقراض می باشد. این امر از تعجبات است که در اکتوبر گذشته گتگوی عثمانی منباب قرشه که میخواست از صرافان فرانس بگیرد بی نتیجه ماند و صرافان آلمان مقضی الامرام گردیدند

پادشاه اسپانیا با صدر اعظم و وزیر جنگ در (میللا) رهسپار و در خیام سلطنتی قیام نمودند. مشایخ و روسای اعراب بملاقات ایشان نائل آمدند بواسطه بارندگی هوای (میللا) خوب نیست و سیلاب خیام سلطنتی را نیز احاطه نمود در (اشقند) نیز زلزله شده فساواتش غیر معلوم میباشد

بموجب نگارش اخبارات واشتگن تا پنج سال دیگر عهدنامه بین اناروی امریکا و فرانس و ژاپون و انگلیس خواهد شد که کلیه مسائل متنازع فیه بین آنان در مجلس نائی (هیک) فیصل یابد وزارت (بروشیا) در حین پیش نمودن بودجه بشورای محلی اظهار داشته که ترقبات زیاد در مالیه پروشیا بیدار و در سال روان یک و نیم میلیون لیرا کثر استقراض خواهد شد

بموجب اخبارات (توکو) شاهراده ولی عهد از طرف امپراطور ژاپون شرکت در جشن تاجگذاری اعلیحضرت جارج پنجم خواهد نمود و امیرالبحر (توسکو) و فیلد مارشل (اویاما) نیز معیت ایشان را خواهند داشت

اعلیحضرت جارج شخصاً افتتاح پارلمان انگلستان را خواهند نمود و ملکه نیز در خدمت ایشان خواهد بود. و ولیعهد هم ممکن است حاضر باشد

در منچوریا مرض منحوس طاعون با شدت تمام شیوع یافته در جلوگیری دوکتران خارجه نیز تأیید و کمک مینمایند و بسیاری از اهالی هلاک شده اند دماوی (کپتان پیری) را منبای وصول قطب شمال ماهران فن جزایر اسیا پس از تحقیق و تدقیق ظاهر داشته اند که کپتان موصوف قرب (۱۶۱۰) میل قطب شمالی را طی نموده است

قشون ترکی اندک اندک پیش آمده و اعراب مدوی را که حمله بر راه آهن حجاز نموده بودند از مضائق (کراک) منتشر ساختند

در شهر (سیدنی) بواسطه ترك خدمت دوازه هزار نفر عمهجات کارخانه گاز شهر تارک و خانهها بی چراغ ماند صدر اعظم دماوی عمهجات را فیصله نموده سپس عملجات مشغول بکار شدند -

در بندر (هارین) مرض طاعون شدت نموده ۱۱۳۵ از اهالی چین (۶۴) از اهالی خارجه تلب شده اند. در شهر (مکدن) هم (۶) نفر تلب و طاعون در منچوریا روز انزون شدت میکند

بواسطه شدت بارندگی راه آهن جنوبی فرانسه از عبور و مرور باز مانده است

دولت عثمانی مصمم گردیده که ۳۰ بتالین قشون با توپخانه بسیار جهتی برای قلع و قمع دائمی بمن روانه داند

امام (بن) سید یحیی برخلاف عثمانی اقدام بجنگ نموده و سیم تلگراف را قطع کرده است. خوف بلوای عمومی در بن میرود. سید ادویس هم علم مخالفت بر افراتته و دارالحکومه را محاصره نموده است حکومت با عده زیادی از قشون محصور شده - اعراب از هر طرف به جنبش آمده اند. و حکومت جدید در (حدیده) مانده میتواند پیش برود

در (مدرید) اشاعه یافته است که بواسطه شدت برف باری راه آهن و تلفون خراب و اکثر قطار راه آهن در زیر برف مانده است. مسافرین در هلاکتند. برای نجات آنها کمک فرستاده شده ولی مشکل است بآنها برسد

بهترین دربدنات ها (کنگک خارج وستورین) در پورت اسمت و دیون پورت باب اداخته شدند وزرای عثمانی در پارلمان انقلابات بمن را موضوع بحث قرار داده و ۱۸ بتالین قشون برای سرکونی امام (بن) که در سنا قلعه بندی میباشد مفرستند بر (مسیوراید) رئیس الوزرای فرانس یک نفر شلیک نموده باو تصادم نکرده به (مسیوهارمان) دوکتر خورده و مجروح شده است

بواسطه شدت مرض وبا و طاعون در شمالی چین و منچوریا پس از مباحثه زید در پیرسترک وزیر خارجه روس مصمم گردیده است که بولیکه رابطه و تعلق با منچوریا دارند اخطار شوند که برای جلوگیری مرض هیئتی از دوکتران را بداجاروانه نمایند

رحلت امیر بخارا

امیر عبدالاحد امیر بخارا این جهان فانی را وداع نمود

امیر عبدالعلیم خان امیر تازه بخارا بادسته از قشون وارد شهر گردید و با منتهای شکوه و احتشام اهالیش پذیرائی کرده بمسند امارت تکیه زن شد امیر عبدالاحد متوفی با اینکه در ایام حکمرانی او نفوذ روسیه در بخارا زیاد شد ولی عقاید اسلامی و رفتار مسلمانیش قابل توصیف و مردی خیر و غیر منتظم بود. در اصول مالک داری بی اعتنا و کلام ملاها در او نفوذ داشت و از سیاست و اصول مملکت داری چندان بهره ور نبود. جانشین ایشان اگرچه در برخی صفات نسبت به پدر خود مزیت دارد ولی محو و غرق روسی بر سقاست چه تعلیقاتش در روسیه شده و یکی از صاحب منصبان فوجی روس بشاوار است. هنوز نمیتوان گفت که فوت آن امیر و قائم مقامی امیر جدید برای امارت بخارا و این مملکت اسلامی بهتر خواهد شد یا بدتر. امیدواریم که این مملکت اسلامی از چشم زخم روسیان و بدبختی آنان مصون و محفوظ ماند

تذکرات

(۲۱ جنوری - ۱۹ محرم)

§ رئیس الوزراء در تعلق افتتاحی پارلمان ژاپون اظهار داشت که روابط اتحادیه ژاپون با کلبه دول در کمال استحکام و دوستی دوستانه انگلیس و ژاپون هم‌روزه در ازباید است دولت ژاپون مصمم است که عهدنامه تجارت خود را با دول سائره تجدید نماید، و ازین وجه مصارف قشون هم باندازه لزوم بشود

§ در پارلمان (پورتگیز) رئیس الوزراء اظهار داشت که تعطیل عیالجات و قوت جمهوریت سلطنت افزود چه حقوق رعایا و مالکین معین شد و دخالت خارجه در معاملات پورتگیز غلط محض و روابط اتحادیه ما با تمام دول برقرار است

(۲۲ جنوری - ۲۰ محرم)

§ از پترزبرگ خبر رسیده که چند روز متوالیاً زلازل خفیه در ترکستان شده ولی امروز زلزله در کمال شدت بوده است

§ دو حبیبکه رئیس الوزراء ژاپون بودجه مملکت را به پارلمان پیش نموده اظهار داشت که مصارف و مخارج مستقیم و غیر مستقیم ۵۰ میلیون (ین) تخمین شده و این نکته قابل تبریک به ملت است که سال گذشته تجارت ژاپون چهار صد و هشتاد میلیون (ین) که منجمه آن (۱۴۰) میلیون (ین) اضافه صناعات ملکی بوده زیاد گردیده است

(۲۳ جنوری - ۲۱ محرم)

§ کیسیونیکه ریاست سلاطین پاشا (درفور) رفته بود مقضی المرام گردیده (سلطان از علی دینار) وعده نموده حفظ امنیت آب نواح را و افسوس ظاهر کرده است از حادثات (در تاهه و در قس)

§ اخبارات بران مینویسند که مأمورین عثمانی از لوید کبابی شمالی آلمان دو فروند جهازیکه (۵۰۰۰) تن قوت آن بوده خریداری نموده اند

(۲۴ جنوری - ۲۲ محرم)

§ دولت چین بواسطه شدت مرض طاعون در منچوریا از دول سائره خواهش نموده است که هیئت از دوکتران را در آن صوب گسیل داشته تا بلکه بتوانند جلوگیری از این مرض منحوس بنمایند

§ مقدمه الحیث قشون عثمانی که برای امنیت یمن معین شده بود حرکت نمود و بقیه قشون هم پس از انتظام حمل اتقال حرکت خواهند نمود چنان تصور می شود که دولت عثمانی زمه داری بزرگی را قبول نموده چه یمن مملکتی است بایر و اهالی آن خیلی جنگ جو میباشند

§ وزیر خزانه دولت چین اعلان نمود که در

مصارف سال ۱۹۰۹ هشت میلیون (تیل) کی خزانه بوده است

(۲۵ جنوری - ۲۳ محرم)

§ مرض طاعون در منچوریا اندکی تخفیف یافته و دولت چین مصمم گردیده است که راه آهن شمالی را موقتاً مسدود دارد

§ همچو تصور می شود که بابالی از دول ابطالی و فرانس و انگلیس در باب جلوگیری از تجارت ناجائز اسلحه مخبرات نماید

§ تلگرافی که به اسلامبول رسیده ظاهر میدارد که اعراب (حدیده) را محاصره کرده و اهالی در کمال بریشانی اند ولی چنان تصور می شود که قشون برای مدافعه کافی است، قشون عثمانی خیلی کوشش نمود که ابواب محاصره را با (سنا) باز نماید ولی کامیاب نگردید، اعراب سعی اند که قبل از رسیدن کک بر شهر (سنا) حمله آورند

(۲۶ جنوری - ۲۴ محرم)

§ در قشون (حدیده) مرض وبا شیوع یافته است

(۲۷ جنوری - ۲۵ محرم)

§ بموجب خبر موقتی که به نیویارک طمس رسیده دولت امریکا عنقریب با ژاپون معاهده خواهد بست که بموجب آن علیحدگی طلاب ژاپونی را از مدارس رسمی امریکا منسوخ نماید

§ (برنس جن بوی) وزیر امپراطور سابق کوریا را در خانه خود خفه دیده و کاغذی بنام امپراطور سابق با ۲۵۰۰۰ منات یافتند

تذکرات روز و اجمع ایران

(دهم جنوری سنه ۱۹۱۱ مطابق ۸ محرم ۱۳۲۹)

§ شاه مخلوع محمد علی میرزا با اهل و عیال خود از (ویانه) بطرف (مکاران) رفتند

(۱۷ جنوری - ۱۵ محرم)

§ والا حضرت ناصر الملک از ویانه بجانب طهران رهسپار گردیدند

(۲۲ جنوری - ۲۰ محرم)

§ وزیر خارجه عثمانی بجواب سؤالی در پارلمان در خصوص قرارنامه پورتسم اظهار داشت که آنچه را سفیر آلمان اظهار داشته موافق است با آنچه (مسئوسازانوف) وزیر خارجه روس بیان کرده است، و ضمناً وزیر خارجه اظهار داشت که اتحاد صمیمی بین عثمانی و انگلیس قائم و ازین رو تصور نمی شود که زیانی بحقوق عثمانی در خلیج فارس وارد آید مبعوثین ازین بیانات اظهار خورسندی و اغیانه نمودند

(۲۳ جنوری - ۲۱ محرم)

§ وزیر خارجه عثمانی در پارلمان اظهار داشت که سفیر آلمان امامینان داده که تا چند یوم دیگر آنچه

را اظهار داشته تصدیقات رسمی خواهد رسانید ،
و عهدنامه آلمان و روس در خصوص راه آهن
بنداد نیست، چه هر قرارنامه که درین باب داده
شود باید با رضای دولت عثمانی رسد و حقوق دولت
عثمانی کاملاً محفوظ خواهد بود

§ جناب ناصر الملك نائب السلطنة ایران وارد
(بادکوبه) گردیدند

§ در جواب آخرین خط دولت ایران منبأب
اهدامات عملی در رفع اغتشاشات جنوب اظهار داشته
که عملیات دولت ایران آنچه در این موضوع شده
تشیق بخش است ، ولی دولت انگلیس این را هم
تصور میکند که امنیت راه بوشهر و کازرون و شیراز
در این وقت ممکن است بواسطه سورت سرما باشد ،
ازین رو موضوع یادداشت را محفوظ داشته که اگر
آینده اغتشاشی پیش آید انتظام یابد و با افسران
هندی بتواند نمود

§ در خصوص صدی ده اضافه کرکات جواب
داده است که چون این اضافه برای تجارت انگلیس
زیان دارد رضا بر آن نتواند داد مگر اینکه دولت
ایران قبول نماید که انتظام پلیس راه با افسران
انگلیسی بشود

(جبل الدین)

§ جناب سرادوردگری در این جواب اگر مقرون
بصحت باشد یکدفعه برده را از روی اعراض دولت
انگلیس مرتفع داشته است یعنی ظاهر میدارد که تمام
هم انگلیسان قبضه نمودن بر حیثیت مالی وقتون جنوب
است، از یکطرف بناچار تصدیق عملیات دولت ایران
را در امنیت جنوب می نماید و از طرف دیگر یاد
داشت حق شکنانه خودشان را محفوظ قرار داده
که اگر من بعد واقعه پیش آید بهانه بدست داشته
باشند، و نیز انتظام دولت را مشکوک قرارداده میگویند
شاید سبب امنیت طرق سورت سرما باشد و حال
آنکه خودشان میدانند که چنین نیست ، از همه
بالاتر انکاری است که در خصوص اضافه صدی ده
بر کرکات نموده اند و حال آنکه این تجویز را
خودشان در یاد داشت پیش رده بودند ، آیا
اگر دولت علیه اقدام عملی نموده بود و بنا می شد
که سرادوردگری بیاد داشت خود عمل نماید در
آن صورت اضافه صدی ده کرکات نقصانی مالالتجاره
انگلیس نمی شد؛ عجیباً - آیا اگر این یادداشت بهانه
جوئی نیست و فرض ایشان امنیت طرق تجارتی
جنوب بود برای امنیت تجارت چه فرق می کند که
هولت ایران ملك خود را امن کند یا اینکه افسران
اجنبی؟ ازین بیان مستفاد می شود که فرض بهانه
جوئی و دخالت بوده نه امنیت طریق تجارت

اگر جناب سرادوردگری فرمایند که چون
ما را باین عملیات اطمینان نیست میتوانستند این انکار
را بشکل دیگر که بوی خود غرضی کتر در او
برود بیان کنند، یعنی ظاهر دارند که اضافه صدی
ده کرکات در صورتی منظور می شود که صرف
امنیت راه های جنوبی بشود نه اینکه شرط کنند که
این اضافه گمرک در صورتی قبول می شود که
دولت ایران قبول افسران انگلیسی را برای ژاندارمی
جنوب بنماید ، آیا اگر بر فرض بحال دولت ایران
قبول میکرد بقول ایشان زیان به تجارت انگلیس
نمیرسید ؟ و حال آنکه اگر درست دقت شود
مبنای فرمایشات جناب سرادوردگری هیچ وجه قابل
تصدیق نیست، چه اضافه صدی ده و کرکات عمده
زیانش باید رعایای ایران است، زیرا که مالالتجاره
که محل احتیاج بکاملتی می باشد خواه گران باشد یا
ارزان ملت مجبور در استعمال آن است ، مثل
اینکه اضافه گمرک جانی بجای آنکه از تجارت او
بکاهد خیلی افزوده است ، با این قلت مالبه ایران
این یادداشت های حق شکنانه که مورث خسارات
عمیله دولت گردیده جز تضییق مالیه ایران گویا
چیز دیگر مد نظر نبوده است

آری دولت انگلیس تاجر است و نمی خواهد
در مداخلت های بیجا مانند روس شخصاً متحمل
مصاری گردد بلکه میخواهد که از کلاه ایرانیان
برداشته و صله قبایشان کرده ضمناً هم دحالی داشته
باشد ، همینکه دولت ایران بشخصه دوامیت اقدام
نمود محض اینکه این امنیت شاید بواسطه ضیق مالیه
دوای حاصل نکند از یکطرف یاد داشت خود را
محفوظ داشته از طرف دیگر انکار از قبول اضافه
گمرکات میفرماید

آری این است معنی همراهی همسایه جنوبی که
خویشی را حامی آزادی ایران حلوه میداد ، این
است نتیجه امیدواریهایی بر املاعاتی برخی از ایرانیان
که بدوستی و همراهی انگلیسان هماره تکیه زن بوده اند ،
حالا باید ایرانیان بخود آمده عادت خویش را سنجیده
و خیالات همسایگان را در حق خود ببینند. ایرانیان
باید بدانند که هیچ دولت خارجی از دوش آمان ناری
بر نخواهد داشت بلکه تاجانی که بتوانند بدوش آمان
سربار خوانندمهاد ، ایرانیان راست که ترك اعتماد
از کلیه اجانب گذشته بیای خویش به ایستند و بدانند
که اگر خودشان محقوق خویش بر برده و در حفظ
آن میکوشیدند جناب سرادوردگری چنین جوابی
بآنها نمی داد ، چه میدانستند در صورت تضییق
باواریان و انکار از اضافه صدی ده گمرکات
آنان هم متحد شده امساک از خریداری امتعه انگلیس

روسی که در جولائی سنه ۱۹۰۹ پیش آمده دادخواست و نیز از نگراف طهران ظلمر میشود که دولت ایران ۳۰۰۰ تومان توان کشته شدن دو محافظین قونل دولت انگلیس را که در راه شیراز و اصفهان در سال قبل از دست سارقین شده بود داده است

حبل المتین

خوب است بایندهگان ایران خاصه قونسلات ما در روسیه سر مشق از این واقعات گرفته مثل سابق نگذارند ما و جات رعایای ایرانی رایگان بروند بی اینست معنی دوستی همایگان جنوب و شمال که در خوق تنگی در تضییقات مالیه ایران تا این درجه بناحق میکوشند. الحق کابینه جدید رفع يك الزام سیاسی و نهائی پلنیک را از دادن این وجوه از دولتین نموده مناسب است که از این وجه در مضامینکه امنیت کامله ندارد حکام رسماً اروپائیانرا از مسافرت منع نموده و یا در صورت اجبار بحفظ سلامت آنان بکوشند تا باینگونه الزامات و خسارات دوجار نگردند

انالله و انا الیه راجعون

آقا میرزا احمد کاشانی فرزند ارجمند جناب مستطاب حاجی محمد حسن تاجر کاشانی که جوانی بسیار مقول داوای اخلاق صوری و معنوی و در کمال فطانت و حسن اخلاق و درست کاری بود پس از طی ۲۸ مراحل زندگانی این اسبوع در پونه وداع زندگانی فرمود و ذاتی بزرگ و دل عمووم ایرانیان کلکنه و معنی نهاد رحمة الله علیه رحمتواسمه اعضای اداره حبل المتین با کمال تاجر جناب حاجی محمد حسن آقا و آقا میرزا علی محمد تاجر کاشانی پدر و برادر گرامی ایشان و سایر بازماندگان شان را تسلیت گفته خوبستن را شریک این مصیبت دلسوز میدانند

(کامربد)

جریده ایست انگلیسی در ۲۰ صحیفه، هفته وار، اخلاقی، سیاسی، و ادبی، از حیث نفاست طبع و حسن کاعذ و حروف اولین جراید کلکنه و نمونه از رسائل اروپ است، مصامینش بسیار عالی و مسلکش که از اسم او معلوم است خیلی محترم میباشد، محرو فاضلش مستر محمد علی از فضلالی حید و منتظینش همه کافی و بانجربه اند، سه نسخه آن تا کنون بداره رسیده و امید است که ضروریات عمده مسلمانان را رفع نماید

کرده در آن صورت بجای نفع قصاصهای عظیمه را باید متحمل شویم و چنان تصور می نمایم که امروز نه فردا باز هم در مقابل سلوک همایگان متمدن مجبور بدین گونه اقدامات کردیم

هرار افسوس که هنوز ملت ایرانیه از قوای متحده خود غافل و از حقوق خویش زاهد اند ورنه موقع شنیدن اینگونه جوامات برای آنان پیش نمی آمد

(۲۴ جنوری - ۲۲ محرم)

§ مارچود اطمنائیکه سفير آلمان بوزیر خارجه عثمانی داد معذالك بايعالی را عقیده این است که دولت روس به جلب منافع خویش در ایران و عثمانی نائل آمده و آلمان را فقط باین وعده خوشدن ساخته است که در منافع او هیچگونه مانع تراشی نخواهد نمود

(۲۵ جنوری - ۲۳ محرم)

§ بموجب اشاعه نیویارک طمس سفير ایران اظهار داشته است که دولت ایران برای اصلاح مالیه و گمرکات حاضر است اگر دولت امریکا تأیید نماید او را به مستشارهای مالیه، مستر مکوی، وزیر خزانه امریکا نام بدج مستشاروا برای ایران انتخاب نموده نزد وزیر خارجه فرستاده تا پس از امضای آن بتصدیق سائر وزراء نیز برسد

(۲۵ جنوری - ۲۳ محرم)

§ دولت امریکا رسماً تصدیق نموده است اشاعه واپورت اخبار نیویارک طمس را که دولت ایران مستشارهای مالیه از امریکا طلب نموده که منجمله آنها رئیس خزیه و رئیس کل مالیه ایران باشد

(۲۸ جنوری - ۲۶ محرم)

§ دولت متحده امریکا به ژارژ در دولت ایران فهرست اسامی کابیرا که می توانند بخدمات مالیه دولت ایران انتخاب شوند فرستاده که از میان آنان پنج نفر را انتخاب نمایند، اشخاص مذکوره تمام صاحبان علم و تجربه و در اطراف نیز بخدمات مالیه منتخب بوده اند

(۳۰ جنوری - ۲۸ محرم)

روتر از پترسبرگ خبر میدهد که دولت ایران ۱۴۷۲۰ تومان خساره حمله سارقین را بر قونسل روس در نواح شیراز که در تاریخ ۲۵ نومبر سنه ۱۹۰۹ شده بود و ۲۵۴۳ تومان در غارت خانه معلم مدرسه

(جل المدين كلكته)

مدیکل کالج استریت نمبر ۲

HABIBUL MATIN OFFICE
4, MEDICAL COLLEGE STREET
CALCUTTA

(کلیه امور اداره با)

مدیر کل مؤید الاسلام است

(هر دوشنبه طبع)

(و سه شنبه تریج میشود)

(بوم دوشنبه)

۶ صفر المظفر ۱۳۲۹ هجری

(مساد با)

(۶ فروری ۱۹۱۱ میلادی)

و بلا حق اخذ ابره بدون لفظ ندادند و توفیق که

(مشترکین را قبض مخصوص سال هیچدم . ست نباشد)
(دمه شان بری شناخته میشود)

نامه مقدسه

(قیمت اشتراك)

سالانه — شش ماهه

(همد و ربه)

(۱۲ روپه — ۷ روپه)

(ایران و افغانستان)

(۴۰ قران — ۲۵ قران)

(عثمانی و مصر)

(۵ مجیدی — ۳ مجیدی)

(اروپا و چین)

(۳۰ فرنک — ۱۶ فرنک)

(روس و ترکستان)

(۱۰ مات — ۶ منات)

المدين

سنه ۱۳۱۱

مراسلات مخصوصی بدون امضای

(معروف اداره درج نمیشود)

در این جریده از هرگونه اخبار و وقایع سیاسی و سماع درسی و فواید متنی بحث میشود
(مقالات عام المنفعه مقبول و در انتشارش اداره آزادست)

اقلابات سیاسی

پیش آمد واقعات چند قرن اخیر بر ما ثابت میدارد که دول اروپا در پیشرفت مقاصد خود هم دارای اشتراکند و هم افراد ، ما به الاشتراك دول اروپا دو نکته مهم است
(اول) مانع ترانی و جلوگیری از ترقیات آسیا عموماً چه باقی ارباب سیاست ترقی آسیا و بیداری آسیائیان توام است با انحطاط اروپا و تنزل اروپائیان ، و این مسئله حسنی و قابل انکار نیست که تمام ثروت و بزرگی اروپا در سایه فقر و زیرسستی آسیائیانست ، زیرا که مملکت اروپا که از هر حیث زاید بر يك قطعه آسیا نیست بواسطه کثرت نفوس حاصلاتش کانی از معاش اهالی آن نمیشاند و بیشتر لوازم تعیش آنان از جلبلهای آسیاست ، اینکه که اروپائیان با آنها احتیاج دارند آن ثروت هنگفت گردیده تمام از بزرگی آنان و فروتنی آسیائیان حاصل شده ، مسلم است که ترقی آسیا و بیداری آسیائیان طبعاً مانع جلب ثروت و قبول جلالت اروپائیانست و زبان این امر بکلیه اروپا و اروپائیان وارد تواند گردید ، این است که تمام اروپائیان در جلوگیری از ترقیات آسیائیان متحد و خوبستن را در این ماده سهم يك دیگر میدانند

(۲) نظر بر اینکه هزاران سال است مناقشات

مذهبی و اختلافات دینی تولید مشاکل پلتنیکی نموده چنانچه مثالش در خود اروپا موجود بوده و هست ، عموم دانایان اروپا را عقیده این است که آوقتیکه اختلافات مذهبی در آسیا مرتفع نگردد خطرات پلتنیکی اروپائیان از آسیا مرتفع نخواهد گردید این است که در نحو دیانات آسیا و جلب آنان به دیانت مسیحیه باطناً کلیه اروپا متحد و شریک و سپینند و چون سایر مذاهب آسیا خود بخود رو با انحطاط گذارده فقط مذهبیکه در نشوونمای باشد اسلامست ، مسلمانیرا موثر تولید اشکالات سیاسی آینده اروپا می بندارند
اما منافع منفرد دول اروپا از قبیل رواج تجارت ، صناعت ، جلب ثروت ، و حکم وانی شخصی در آسیاست ، البته مذاکرات دول اروپا در آسیا تا جائیکه مربوط باین مواد باشد قابل التسلیم و التصدیق است ، ولی دو دو ماده اولیه که در رفع و ضرورت تمام اروپائیان شریک و سپینند هر يك از دول اروپا که دعوی همراهی و تأیید در این دو مسئله با آسیائیان نماید قطعاً مبنی بر پلتنیک و جنگ زرگری است ، پس از این مقدمه میگوئیم که امروزه انقلابات سیاسی دول اروپا ولو ظاهراً مبنی بر مواد اخیره است باطناً اگر ملاحظه شود مبنی بر دو ماده اولیه میباشد ، یعنی دول معظمه یکی بعد

دیگری مناقشات خودشانرا رفع نموده در دو ماده اولیه برخلاف آسیائیان اتحاد کرده و خواهند کرد. مقدمه این اتحاد بدوآ بین روس وانگلیس و ناپادور پورنسدن بین روس و آلمان واقع گردید و بین انگلیس و آلمان هم امروز نه فردا انجام خواهد پذیرفت و پس از آنیکه منافع خودشانرا تقسیم نموده و ما به النزاع را مرتفع داشتند متحدا در دو ماده اولیه سعی و کوشش و جلوگیری خواهند نمود

مثال زیده حسی همانا مناقشات است که در قرن گذشته اروپائیان را در سر افریقا پیش می آمد. ولی همیشه حد برای خود تعیین نموده و منافع آب مملکت وسیع را بین خودشان تقسیم کردند بالا افراد والاشترک در بیداری اعمالی آنها مانع تراشی کرده و در نحو مذاهب مختلفه آنان هم کل سعی را مینمایند و اگر صراحتاً تاکنون اقدامی نشده برای آنست که مبدا عبرت آسیائیان گردیده ملت بیدارشان گردد و همیشه از عمل آسیا قراعت کردند نیت خود را آشکار و علناً بمملکات خواهند پرداخت چنانچه امروزه اگر بدقت بر افریقا نگرییم جمیع مذاهب و در آنجا در نزول خواهیم دید جز دین مسیح را، آزادی مذهب و ترک تعصبات مذهبی که ورد زبان هر اروپائی میباشد پلندیکی است که حکم بختک را دارد که روی اقوام غافل بی اخلاق انداخته میشود. چه تکذیب این اقوام را هر ذی مدورکی از ملاحظه رفتار و کردار اروپائیان در ممالک مفتوحه و سایر ارباب مذاهب مشاهده میکند چه شدد مسلمانان و مساجد و معابد آنها در اسپانیول؟ کجا شد آثار اسلامی در بلغار و سایر عمارت های مالکان، چه سلوک میکند فرانسه با مسلمانان تونس و الجزایر چه رفتار می نماید روس با مسلمانان و آثار اسلامی و و فقط ملاحظه حال مسلمانان در جزیره سکرات با اینکه امروز شاهنشاهی عثمانی بر آن مسلم است) در اثبات این مدعا کافی تصور میشود و پیش پیمان سیاست چنین می بینند که پس از یک قرن دیگر حال مسلمانان در افریقا نای حال مسلمانان اروپا و بالکان خواهد گردید. فرقی که بین آسیائیان و اروپائیان در تعصبات مذهبی می باشد این است که آسیائیان عموماً تعصبات مذهبی را بزبان اظهار داشته و از عمل استتکاف مینمایند ولی اروپائیان تعصبات خود را

عملاً پیروی نموده و زبانا انکار می دارند شک نیست که شکست روس در اقصای شرق و بیداری عثمانی و ایران ماقبت آمدیشان اروپا را پیش از پیش متوجه آسیا نموده و این نکته سبب دفع مناقشات دیرینه ملل مختلفه اروپا گشته و عنقریب کلیه مناقشات مرتفع و متحداً پیروی از دو ماده اولیه و جلب منافع مابله الاشتراک خود خواهند نمود، پس مسلمانانرا عموماً و دول ثلاثه عثمانی و ایران و افغانستان را خصوصاً تکالیف مشترکه است که اگر از حلال پیروی از آن نه نماید در بازود انگشت تعصب بدندان مناعت خواهند گزید، مسلمانانرا نیز تکالیف هم مشترک و هم مورد است، در آنچه مشترکند دو ماده است (۱) جلوگیری از دیاد نفوذ مطلقه اروپائیان در

آسیا، چه مرکز مسلمانان، آسیا شناخته آمده

(۲) اتحاد در مدافعه دیانی. و نیز هر یک از این دول اسلامی را اختصاصاتی است که بالا افراد باید بر آن کوشش و اقدام نمایند ما در این موقع فقط به برخی از تکالیف انفرادی کنونی دولت و ملت ایران اشاره مینمایم

(۱) ایرانیان بدلیل بیانات فوق باید صرف نظر از حیات رقابتی که از صد سال باین طرف مسلک پلندیکی و حال با سیاست ایران بوده بنمایند و مسلم بدانند که مناقشات رقابتی دول در ابرام عقرب یعنی در مدت بسیار کمی خاتمه خواهد پذیرفت، ایرانیان را شاید که تمسک به آلمان نموده یا از انگلیس و روس و فرانس امید نمایند و همراهی در ترقیبات خود داشته باشد، و از این کلیه غافل نشوند (حقیقتاً بر رقابت باشد محتاج هم در همان رقابت است) ایرانیان باید باطمینان به نفس کرده و تکیه بر قواحه ملی خود نموده و خویشتر را بالا صاله قابل الاستقلال جلوه دهند، و این هم نمیشود جز اینکه ترک سرعوبیت و سستی و تنبلی صد ساله را گشته با جدیت تمام در راه استقلال خودشان از بزل حال و جان دریغ ندارند و هر کس غیر این آنها را بفریاد، یا تفهیمده و از پیش آمد سیاست دنیا بی اخلاق است و یا از طرف غاصبین استقلال آنها مهور خواب نمودنشان می باشد

معنی نماند که بدون شبهه اتحاد ایرانیان یگانه مانه نجات ایران است و هر کس غم از این نماند